

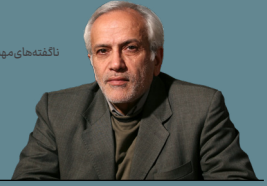
فجر



ناگفته‌های مهدی مسعودشاهی، دبیر دودوره حساس جشنواره فیلم فجر از مهم‌ترین اتفاق سینمای ایران

چنگیدیم تا سینما را
زنده نگه داریم

صفحه ۲۸



بولتن مجازی سی و نهمین جشنواره فیلم فجر ◊ دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۹

گفت‌وگو با هاتف علیمردانی، کارگردان فیلم «ستاره بازی»

تکرار تجربه ساخت فیلم اول



فیلم‌هایی که نقطه عطف کارنامه کارگردان خود نام گرفتند

چراغ سبز جشنواره فجر به تغییر
مسیرها

۲۲

گفت‌وگو با امیرمهدی زوله، فیلمنامه‌نویس «شیشلیک»

تماشای «شیشلیک» با یک چشم
خندان و چشمی گریان

۱۸

فهرست

- ۳ سرمقاله به قلم آنتونیا شرکا
- ۴ مرور مهم‌ترین اخبار جشنواره فیلم فجر
- ۶ گزارش نشست خبری «رمانتیسیم عماد و طوبا»
- ۸ نشست خبری فیلم «بی‌همه چیز»
- ۱۰ سیمرغ مردمی جشنواره فجر و یک تحول بزرگ
- ۱۲ گفت‌وگو با هاتف علیمردانی، کارگردان فیلم «ستاره بازی»
- ۱۵ ژاله صامتی از تجربه بازی در «شیشلیک» می‌گوید
- ۱۸ گفت‌وگو با امیرمهدی ژوله، فیلمنامه‌نویس «شیشلیک»
- ۲۲ فیلم‌هایی که نقطه عطف کارنامه کارگردان خود نام گرفتند
- ۲۴ اینفوگرافیک؛ سبقت در پیچ تند
- ۲۶ یادداشت رضا صائمی؛ تجربه‌گرایی و تحول ژانری
- ۲۸ جشنواره در آینه قرن، ناگفته‌های مهدی مسعودشاهی، دبیر دو دوره حساس جشنواره فیلم فجر
- ۳۶ قاب فجر

شناختنامه

بولتن مجازی سی و نهمین جشنواره فیلم فجر

مدیر هنری: علی شکوری
دبیر عکس: محمد حسن هندی
مسئول هماهنگی: معصومه علیپور
گرافیک: فرزانه یوسفی
عکس: مهدی قاسمی، سحر محراب‌بیگی
محسن سعادت، بهار عسگری و سحر لطفی

مدیرمسئول: سیدمحمد مهدی طباطبایی‌نژاد
زیر نظر مسعود نجفی (مدیر روابط عمومی جشنواره)
سردبیر: سمیه علیپور
همکاران تحریریه: نژاد پیکانیان، زهرانجفی و محمد مهدی‌درستی
باتشکر از: فاطمه استیری، علی افشار، رضا صائمی و محمد تهرانی
ویراستار: شیدا محمد طاهر

اهمیت زنده نگه داشتن سینما در دوران کرونا سینما در سال‌های کرونا



آنتونیا شرکا

چایگاه سینما در دوران همه‌گیری کرونا را از سه جنبه می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۱. بیماری جهان‌گیری یک سالی است دنیا را زیر و رو کرده و باعث فاصله‌گذاری اجتماعی و تشویق، بلکه الزام همگان به خانه‌نشینی و قرنطینه شده است. در چنین وضعیتی که نگرانی از ابتلا به بیماری و اندوه از دست دادن نزدیکان و آشنایان، فضای یأس‌آور و غم‌باری را ایجاد کرده، ترغیب به تماشای فیلم‌ها از راه مجازی- یا حتی حضوری با رعایت پروتکل‌های بهداشتی- می‌تواند نویدبخش ادامه حیات اجتماعی، فرهنگی و هنری جامعه باشد و خاصیت نشاط‌آوری، تقویت روحیه و ارضای نیازهای روحی و فکری مردم را تضمین کند. وقتی کرونا دست‌بردار نیست، چرا سینما باید دست بردارد و کوتاه بیاید؟!

۲. مورد دوم البته در تکمله مورد اول است. سینما فقط یک هنر نیست و کیست که نداند راز بقایش در گروی چرخیدن چرخ اقتصاد آن است. سینما صنعتی است که با عرضه شایسته کالاهای فرهنگی خود، تبلیغات، پخش، نمایش عمومی و خلاصه هر آن چه به دوران پساتولید فیلم‌ها بستگی دارد، می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. از این رو، همان‌طور که اختلالی که بیماری کرونا در سیستم اقتصادی کشورها ایجاد کرده، زیان‌های بسیاری را در سطح جهانی تحمیل کرده، سینما نیز از این قاعده مستثنا نیست و از همین رو قطعاً نیاز به راه‌کارها و سیاست‌هایی در سطح کلان برای حمایت از فیلم‌ها حس می‌شود.

۳. با در نظر گرفتن ضروریات بالا، مشکل فقط به زمان تولید فیلم و فیلم‌برداری محدود نمی‌شود. این اولین بار است که فیلم‌ها فرصت پخش آن‌لاین را پیدا کرده‌اند. تماشاگران در خانه‌هایشان می‌مانند و می‌توانند با پرداخت اینترنتی بلیت فیلم مورد نظرشان، به تماشای آن بنشینند. در چنین شرایطی هم لازم است که راهی برای صیانت از آثاری که بابت تولیدشان ماه‌ها زمان و هزینه‌هایی صرف شده، اندیشیده شود، هم این‌که بسترهایی برای تبلیغ بهینه این روش جدید اکران فیلم فراهم شود تا مردم به آن عادت کنند؛ یک جور فرهنگ‌سازی و نیازسنجی لازم است.

البته ناگفته نماند که تماشای آن‌لاین فیلم‌ها، هرگز جایگزین لذت رفتن به سالن سینما و در دل تاریکی به تماشای فیلم‌های جدید نشستن در کنار غریبه‌های آشنایی که لذت تماشای فیلم را با آن‌ها به اشتراک می‌گذارید، نمی‌شود. جادوی پرده بزرگ سینما همواره جذابیت‌های اغواگرانه خودش را دارد. اما شرایط ایجاد می‌کند که سینما در دوران کرونا تعطیل نشود، و روشن نگه داشتن چراغ سینما، اصلی است که در هیچ شرایطی نباید فراموش شود.



مرور مهم‌ترین اخبار جشنواره فیلم فجر

پرمخاطب‌ترین‌های روز اول معرفی شدند

اعلام پرمخاطب‌ترین سینماهای مردمی، انتشار فهرست پرمخاطب‌ترین آثار در پیش‌فروش بلیت‌ها و... از جمله مهم‌ترین اخبار نخستین روز سی و نهمین دوره جشنواره فیلم فجر بود.

سه هزار و ۹۰۹ مخاطب و مبلغ فروش ۱۴۰۰۹۹۶۰۰۰ ریال، پردیس سینمایی چارسو با چهار سالن، دوهزار و ۶۸۸ مخاطب و مبلغ فروش ۸۵۸۲۶۷۰۰۰ ریال و سینما فرهنگ تهران با دو سالن، دوهزار و ۴۱۲ مخاطب و مبلغ فروش ۷۴۲۹۳۲۰۰۰ ریال به ترتیب سومین، چهارمین و پنجمین سینماهای پرفروش اولین روز جشنواره بودند. سینما آفریقای تهران، پردیس سینمایی مگامال، سینما آستارای تهران، سینما ماندانای تهران و موزه سینما از دیگر سینماهای پرفروش و پرمخاطب اولین روز جشنواره هستند.

◇ پنج ویژه‌برنامه جشنواره فجر در شبکه‌های رادیو

امسال پنج برنامه رادیویی ویژه در روزهای برگزاری جشنواره فیلم فجر روی آنتن می‌رود. در همین راستا، برنامه «کافه رادیو» هر روز ساعت ۳ تا ۳:۴۵ از رادیو جوان پخش خواهد شد و گوینده آن علیرضا کنگرلو است. برنامه «برداشت ۳۹» در رادیو فرهنگ هم روزانه از ساعت

◇ پرمخاطب‌ترین سینماهای مردمی در پیش‌فروش بلیت‌های جشنواره

در نخستین روز از برگزاری جشنواره فیلم فجر، فهرست پرمخاطب‌ترین سینماهای مردمی، در زمینه پیش‌فروش بلیت منتشر شد و پردیس سینمایی کوروش با شش سالن و شش هزار و ۱۵۹ مخاطب و مبلغ فروش ۱۸۹۲۸۹۰۰۰ ریال، در صدر سینماهای پرفروش در اولین روز جشنواره جای گرفت. پردیس سینمایی آزادی با شش سالن، پنج هزار و ۲۵ مخاطب و مبلغ فروش ۱۵۳۰۲۳۴۰۰۰ ریال دومین سینمای پرفروش و پرمخاطب اولین روز جشنواره شد. پردیس سینمایی ایران مال با شش سالن،



سی و نهمین جشنواره فیلم فجر، تفاوت‌های مهمی نسبت به ادوار گذشته جشنواره دارد. یکی از مشکلاتی که هر سال در پیش خرید اینترنتی بلیت‌های جشنواره فیلم فجر وجود داشت، فروش سری بلیت ۱۰ تایی برای مخاطبان بود که در بسیاری موارد، با استقبال روبه‌رو نمی‌شد. اما در جشنواره امسال این امکان برای مخاطبان ایجاد شده که بلیت فیلم‌ها را به صورت تک فروشی خریداری کنند.

از ویژگی‌های دیگر بلیت‌فروشی امسال، امکان خرید بلیت در تمامی شهرستان‌هاست و این‌که مخاطبان خارج از پایتخت می‌توانند هر ۱۶ فیلم بخش سودای سیمرغ را ببینند. ویژگی مهم دیگر بلیت‌فروشی امسال، امکان خرید بلیت تا روز پایانی جشنواره است.

هم‌چنین بر اساس شیوه‌نامه بلیت‌فروشی سی و نهمین جشنواره فیلم فجر، پس از خرید بلیت از طریق سامانه‌های تعیین شده، کدی برای خریداران ارسال می‌شود و افراد با ارائه آن به سینما، می‌توانند بلیت خود را تهیه کنند. ضمن آن‌که امسال مشارکت در آرای مردمی هم در سراسر کشور وجود دارد.

◆ آمار بلیت‌فروشی جشنواره فیلم فجر

بلیت‌فروشی سینماهای مردمی در سی و نهمین دوره جشنواره فیلم فجر در نخستین روز از برگزاری جشنواره پی‌گیری شد و در مجموع ۵۵ هزار و ۷۹۲ بلیت تا شامگاه یک‌شنبه، ۱۲ بهمن‌ماه به فروش رسید. از این تعداد ۱۳ هزار و ۴۶۵ بلیت در سامانه ایران تیکت، ۴۲ هزار و ۱۵۸ بلیت در سامانه سینما تیکت و ۱۶۹ بلیت در سامانه گیشه ۷ فروخته شده است.

◆ اخطار مسئولان جشنواره به یک سینمای متخلف

در نخستین روز از برگزاری جشنواره فیلم فجر، یک سینمای متخلف که در آن پروتکل‌های بهداشتی رعایت نشده بود، اخطار گرفت. محمدرضا فرجی، مسئول امور سینماهای جشنواره در این باره گفت: در روز نخست جشنواره توسط نمایندگان ما در سینماها یک مورد تخلف گزارش شد. به همین خاطر به شکل مکتوب به مدیر سینما اخطار دادیم. در این سینما برخی مواد غذایی بدون رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی فروخته شد، که این اتفاق، خلاف مقرراتی بود که برای سینماداران تبیین شده بود. خوش‌بختانه سریعاً و پس از اخطار کتبی این خوراکی‌ها از سینما خارج شد.

او ادامه داد: دو سینمای دیگر هم قبل از شروع اکران‌ها دچار کمبود مواد شوینده شده بودند که ستاد جشنواره به سرعت این مواد را برای سینماها تامین کرد و البته سینماداران توجیه شدند تا دیگر چنین مشکلی پیش نیاید. البته مشکلی هم در اکران فیلم پردیس سینمایی لوتوس پیش آمد که متأسفانه سانس اول برای مخاطبان پخش نشد. البته این مشکل به سرعت رفع شد و از سانس دوم تماشاگران توانستند به تماشای فیلم بنشینند. مدیر سینمای «لوتوس» البته به دلیل این اختلال تضمین کرد در یک سانس فوق‌العاده اولین فیلمی که دچار اختلال شده بود، دوباره برای مخاطبان اکران شود.

۱۶ تا ۱۷ با اجرای فرانک یوسفی روی آنتن می‌رود. هم‌چنین «سودای سیمرغ» در رادیو گفت‌وگو از ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۹:۳۰، «حوض نقره» در رادیو ایران از ساعت ۲۰ تا ۲۱ و «نمای نقره‌ای» در رادیو نمایش از ساعت ۲۱ تا ۲۲ هر شب از طریق گیرنده‌های رادیویی پخش خواهند شد.

◆ اعلام فهرست پرمخاطب‌ترین آثار در پیش فروش بلیت‌های جشنواره

فهرست پرمخاطب‌ترین فیلم‌های جشنواره در پیش فروش بلیت‌های آثار فجر در نخستین روز از برگزاری این رویداد سینمایی منتشر شد.

بر این اساس فیلم «شیشلیک» به کارگردانی محمدحسین مهدویان با مبلغ ۲۳۲۲۸۹۰۰۰۰ ریال و هشت‌هزار و ۳۵ بلیت، در صدر آثار پرفروش جشنواره قرار گرفت.

فیلم «ابلق» به کارگردانی نرگس آبیاری با مبلغ فروش ۲۰۷۲۰۶۰۰۰۰ ریال و هفت‌هزار و ۱۳۲ بلیت، «بی‌همه چیز» به کارگردانی محسن قریایی با مبلغ فروش ۱۷۵۸۹۰۰۰۰۰ ریال و پنج‌هزار و ۹۸۷ بلیت، «تی‌تی» به کارگردانی آیدا پناهنده با مبلغ فروش ۱۴۰۶۷۰۰۰۰۰ ریال و چهارهزار و ۷۸۲ بلیت و «روشن» به کارگردانی روح‌الله حجازی با مبلغ فروش ۱۱۸۱۷۰۰۰۰۰ ریال و چهارهزار و ۳۱ بلیت، به ترتیب دومین تا پنجمین فیلم‌های پرفروش بودند.

«گیج‌گاه» به کارگردانی عادل تبریزی، «خط فرضی» به کارگردانی فنوش صمدی و «روزی روزگاری آبادان» به کارگردانی حمیدرضا آذرنگ دیگر آثار پرفروش جشنواره هستند.

◆ نمایش ۱۶ فیلم جشنواره در سه شهرستان یزد

۱۶ فیلم بخش مسابقه سینمای ایران حداکثر در سه سانس در سینماهای پردیس سینمایی تک یزد، سینمانگار مید و سینما قدس آهن شهر بافق برای علاقه‌مندان از ۱۵ تا ۲۲ بهمن‌ماه به نمایش درخواهد آمد.

◆ تفاوت‌های عمده بلیت‌فروشی جشنواره فیلم فجر نسبت به گذشته

امسال بلیت‌فروشی سینماهای مردمی در



گزارش نشست خبری «رمانتیسیم عماد و طوبا»

مصایب ساخت فیلم فانتزی در سینمای ایران

◇ آرزوی سلامتی برای علی انصاریان

در ابتدای نشست کاهه صباغ‌زاده با آرزوی سلامتی برای علی انصاریان درباره فیلم دوم خود، گفت: «این فیلم نسبت به فیلم قبلی‌ام (ایتالیا ایتالیا) به این دلیل که همه زندگی عماد و طوبا در کل عمرشان را روایت می‌کرد، کار سخت‌تری بود و این موضوع کار را پیچیده می‌کرد.» او ادامه داد: «برای پس تولید کار هم درگیر ویروس کرونا شدیم و همه این موارد دست به دست هم داد که (رمانتیسیم عماد و طوبا) فیلم پیچیده‌ای باشد.»

◇ همه با حال خوب از سالن سینما خارج شدند

مهدی صباغ‌زاده، تهیه‌کننده، در پاسخ به سوال روزنامه هنرمند که آیا فکر می‌کنید این فیلم گیشه‌پسند خواهد بود و پرفروش می‌شود، گفت: «من فکر می‌کنم تا به این جا مخاطب با فیلم ارتباط برقرار کرده و حال همه با آن خوب بود و همه با حال خوب از سینما خارج شدند و این موضوع مهم‌ترین اصل است.» او تاکید کرد: «این اثر درباره تحکیم بنیاد خانواده است و امیدوارم مورد استقبال مردم قرار بگیرد.»

◇ فیلمی با فضای فانتزی

در ادامه نجاریان، مدیر فیلم‌برداری، درباره حال و هوای فیلم توضیح داد: «در ابتدا می‌خواهم برای علی انصاریان آرزوی سلامتی داشته باشم. فضای فانتزی

فیلم (رمانتیسیم عماد و طوبا) به کارگردانی کاهه صباغ‌زاده، اولین فیلمی بود که در سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و نشست خبری آن برگزار شد. نشست‌های این دوره از جشنواره فیلم فجر به دلیل شیوع کرونا با تغییراتی همراه است. محل برگزاری نشست به سالن نمایش فیلم‌ها انتقال یافته تا اهالی سینما و اصحاب رسانه در فضای بزرگتری بتوانند در این نشست شرکت کرده و فاصله‌گذاری اجتماعی را رعایت کنند. حمیدرضا مدقق مجری نشست فیلم صباغی‌زاده بود.

کاهه صباغ‌زاده (کارگردان)، مهدی صباغ‌زاده (تهیه‌کننده)، الناز حبیبی (بازرنگ)، شهرام نجاریان (مدیر فیلم‌برداری)، محسن دارسنج (طراح چهره‌پردازی)، پگاه احمدی (تدوین‌گر)، آرام موسوی (طراح لباس) و محمدرضا میرزا محمدی (طراح صحنه) در این نشست حاضر بودند.

◇ فیلمنامه پیچیدگی‌های زیادی داشت

مهدی صباغ‌زاده درباره تولید این فیلم گفت: «این فیلم مخارج سنگینی داشت و فیلمنامه پیچیدگی‌های زیادی داشت و فیلم‌برداری آن سه ماه زمان برد. اما در نهایت می‌توانم بگویم که از نتیجه کار راضی هستم و این اعتقاد ربطی به رابطه پدر و پسر می‌ماند.» او ابراز امیدواری کرد مردم در سلامت به تماشای فیلم‌ها بنشینند و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی اتفاق خاصی نخواهد افتاد.

◇ از دل تضاد بین رئال و فانتزی است که زندگی و فیلم شکل می‌گیرد

الناز حبیبی در این نشست از کاوه صباغ‌زاده برای اعتماد و سپردن این نقش تشکر کرد و افزود: «قطعاً برای این نقش کاندیداهای مختلفی بود، اما با نشست‌های طولانی با کاوه صباغ‌زاده به این نتیجه رسیدیم که می‌توانیم این کار را انجام دهیم. باید بگویم که جای خالی علی‌انصاریان خیلی احساس می‌شود.» کاوه صباغ‌زاده درباره فیلم‌ش گفت: «فیلمی که روی پرده دیدید، بهترین کاری بود که از دست ما برمی‌آمد و فکر نمی‌کنم بهتر از این می‌توانستیم کاری انجام دهیم. نمی‌توان فیلمی فانتزی ساخت که هیچ‌بخش رئالی در آن نباشد و از دل همین تضاد میان رئال و فانتزی است که زندگی و فیلم شکل می‌گیرد.»

◇ تماشاگران با قهرمانان فیلم هم‌ذات‌پنداری خواهند کرد

در ادامه تجاربان با بیان این‌که کار فیلم‌برداری یک پروسه خلاقه است، تصریح کرد: «از یک جایی به بعد با تکنیک‌های فیلم‌برداری آشنا خواهی شد و چیزی که به بهتر شدن تو کمک می‌کند، چالش‌های تازه است و این اثر برای من پر از چالش‌های تازه بود. احساس می‌کنم در نسل جدید حسرت بیشتری دیده می‌شود.» او ادامه داد: «هر کسی که به تماشای این فیلم می‌نشیند، حداقل در یک سکانس احساس هم‌ذات‌پنداری با قهرمانان فیلم خواهد کرد.»

◇ عوامل و بازیگر در بیشتر آثار سینمایی تکرار می‌شوند

مهدی صباغ‌زاده خاطرنشان کرد: «من با تدوین «ایتالیا ایتالیا» مشکلاتی داشتم و با کاوه صباغ‌زاده بحث می‌کردم، اما در «رمانتیسیم عماد و طوبی» بسیار از تدوین کار راضی هستم و نگاه احمدی به بهترین شکل ممکن این مهم را انجام داد. امروز نوبت نسل جوان است؛ چه در خبرنگاری و چه در عرصه سینما جوانان موفق‌تری را می‌بینیم که امیدواریم با کمک آن‌ها شرایط ایران را بهتر کنیم.» کاوه صباغ‌زاده هم در این باره گفت: «البته من برخلاف پدرم تدوین «ایتالیا ایتالیا» را بسیار دوست دارم. فیلم‌هایی که امروز در سینمای ایران ساخته می‌شود، اغلب شبیه به هم هستند و جای‌جا هم گذاشته‌اند. عوامل و بازیگران در بیشتر آثار سینمایی تکرار می‌شوند و ریسیکی وجود ندارد.» او مشکل اصلی بازیگران را بازی در نقش‌های تکراری عنوان کرد و افزود: «حتی شاید بشود گفت که خودشان را بازی می‌کنند. آن‌ها در مواجهه با نقش‌های مختلف ریسیک نمی‌کنند و می‌ترسند. اما حسام محمودی، الناز حبیبی و علی‌انصاریان این ریسیک را پذیرفتند و در «رمانتیسیم عماد و طوبی» بازی کردند.» صباغ‌زاده گفت: «در ابتدا تصور من این بود که بعد از تجربه موفق «ایتالیا ایتالیا» در ژانر فانتزی، روند پیدا کردن عوامل و بازیگران اثر جدیدم ساده‌تر شود. اما این اتفاق نیفتاد و من در مجاب کردن عوامل دچار مشکل شدم.»

و رنگارنگ در همه قصه دیده می‌شود. فکر می‌کنم همه عوامل در همه بخش‌ها خوب عمل کردند و حال‌وهوای خوب فیلم، نمود همکاری پشت صحنه بود.» دارسنج، طراح چهره‌پردازی این فیلم، گفت: «من برای الناز حبیبی، حسام محمودی و علی‌انصاریان گرمی انجام دادم که روند زمانی بر صورتشان مشهود است.» میرزا محمدی نیز درباره طراحی صحنه «رمانتیسیم عماد و طوبی» گفت: «امیدوارم از تماشای این کار سخت لذت برده باشید؛ سخت از این نظر که ما سه دوره زمانی و مکانی را روایت می‌کردیم و با توجه به فضای فانتزی فیلم توجه به این مورد بسیار ضروری بود.»

◇ حذف بخش نگاه نو اتفاق خوبی است

پگاه احمدی در خصوص تدوین این فیلم توضیح داد: «این فیلم ژانر تازه‌ای در سینمای ماست و به دلیل حجم بهره‌گیری از جلوه‌های ویژه تدوین سختی داشت. من سعی کردم در راستای فیلمنامه و افکار کارگردان پیش بروم.» در ادامه صباغ‌زاده در پاسخ به خبرنگار اعتماد آن‌لاین درباره حذف بخش نگاه نو جشنواره گفت: «اولین فیلم من در سالی بود که بخش نگاه نو نبود و همه در یک سطح دوری می‌شدند. به نظر من حذف بخش نگاه نو اتفاق خوبی است و با این روند فیلم‌ها به خوبی قضاوت می‌شود.»

◇ اولین فیلم غیررئال یک طراح

صباغ‌زاده در پاسخ به سینمااسینما درباره سکانس‌هایی که جلوه‌های بصری خاصی دارد، توضیح داد: «کار صحنه سختی داشتیم که بسیار زمان بر بود.» میرزا محمدی، طراح صحنه فیلم نیز در این باره گفت: «پلان به پلان کار سخت بود و هدف ما ارائه و ساخت کاری باورپذیر و دل‌نشین بود. به همین دلیل با چالش‌هایی روبه‌رو بودیم و باید به هارمونی لباس و لوکیشن فکر می‌کردیم.» او ادامه داد: «این اولین کار فانتزی و غیررئال من بود و برای چنین فیلمی به ابزار خلاقیت نیاز است و تلاش بیشتری لازم داشتیم.» کاوه صباغ‌زاده با تاکید بر این‌که فیلم‌ها بیشتر در فضای شاد است تا رمانتیک، افزود: «برای فیلم بعدی‌ام نمی‌خواهم خودم را تکرار کنم و درامی رئال و عاشقانه نخواهم ساخت.»



نشست خبری فیلم «بی همه چیز»

پرستویی: براساس وظیفه در «بی همه چیز» حاضر شدم

پرویز پرستویی (بازیگر) و باران کوثری (بازیگر) در این نشست حضور داشتند.

◇ از دوران دانشجویی ام به ساخت این نمایشنامه فکر می‌کردم

در ابتدای این نشست، قرایی درباره اقتباس از نمایشنامه «ملاقات با بانوی سال خورده» گفت: «من حتی پیش از ساخت فیلم اولم، دوست داشتم این اثر را بسازم، اما به دلیل شرایط پیچیده، پرهزینه و پرریسکی که داشت، شرايطش را نداشتم.» او ادامه داد: «این متن را در دوران دانشجویی ام خوانده بودم و دوستش داشتم و دلم می‌خواست آن را کار کنم.»

◇ وظیفه من این بود که در این فیلم حضور داشته باشم

پرویز پرستویی درباره نقش شخصیت امیر که در این فیلم ایفا کرد، گفت: «اولین چیزی که برای من در انتخاب نقش مهم است، دوست داشتن متن و نقش است. محسن قرایی را هم از پیش می‌شناختم و وقتی متن را به من دادند، فکر کردم شرح وظیفه من این است که در این فیلم حضور داشته باشم.»

دومین فیلمی که در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد، فیلم تازه محسن قرایی، «بی همه چیز» بود. فیلمی که از روز قبل با پخش تیزری در رسانه‌ها و فضای مجازی، توجه بسیاری را به خود جلب کرد. قرایی در این نشست اشاره کرد که حتی پیش از ساخت اولین فیلمش هم علاقه به ساخت نمایشنامه «ملاقات با بانوی سال خورده» داشته است و اصراری به نگارش فیلمنامه‌های کارهایش ندارد، چراکه خودش را بیشتر کارگردان می‌داند تا نویسنده. پرویز پرستویی هم در این نشست گفت که با نقش امیر هم‌ذات‌پنداری می‌کند و ایفای این نقش را وظیفه‌اش می‌داند.

محسن قرایی (کارگردان)، جواد نوروزبیگی (تهیه‌کننده)، مرتضی هدایی (مدیر فیلم‌برداری)،



یا بابت بازی در این فیلم نامزد شوم.»

◇ کم‌کاری من ربطی به فعالیت‌های اجتماعی‌ام ندارد

قرایی در توضیح ساخت فیلم «بی‌همه‌چیز» به تأثیر از جامعه اشاره کرد و گفت: «فیلم‌ساز نمی‌تواند مدعی شود که فیلمش نسبتی با جامعه‌اش ندارد. من چیزی را که در اطرافم می‌بینم و از آن تأثیر می‌گیرم، می‌نویسم. هر نگاه هم نگاه دیگری را نقض نمی‌کند و من به سلاقی همه احترام می‌گذارم. اما فکر می‌کنم فیلم من بیان‌گر نظراتم است و نمی‌خواهم چیزی را اضافه کنم.» پرستویی با بیان این‌که کمک‌های من از دل انتباهات اجتماعی آمده است، افزود: «وقتی دیدم مسئولان اقدامی نمی‌کنند، تصمیم گرفتم در حد توانم در جامعه کمک کنم. اما کم‌کاری من ربطی به فعالیت‌های اجتماعی‌ام ندارد. باید از بازی خانم مرزبان هم بگویم که فکر می‌کنم بسیار عالی و خوب بازی کرد. در فیلم‌های ما بسیاری از مواقع فیلم‌ها به دلیل هنرور آسیب می‌بینند. من لازم می‌بینم در این‌جا از همه هنروران «بی‌همه‌چیز» تشکر کنم و دست یکایک آن‌ها را می‌بوسم.»

◇ پروسه یافتن لوکیشن بسیار سخت بود

در بخشی دیگر از این نشست، قرایی کار کردن با این تیم را برای خود موهبت دانست و گفت: «هیچ چیزی برای یک کارگردان از این جذاب‌تر نیست که اگر درخواست به‌ظاهر غیرممکنی دارد، عوامل پشتش باشند.» در ادامه مرتضی هدایی، مدیر فیلم‌برداری «بی‌همه‌چیز»، توضیح داد: «یک پروسه خیلی سختی در این فیلم داشتیم و آن انتخاب لوکیشن بود. با تحقیق فراوان تیم تولید در نهایت لوکیشن را پیدا کردیم. بسیاری از مناظر را هم جواد مطوری با استفاده از vfx ایجاد کرد. فکر می‌کردیم فیلم ما باید پر از مناظر بدیع باشد.»

◇ شاید به من بگویند ریاکار هستی

پرستویی در ادامه این نشست به هنجارهای جامعه اشاره کرد و گفت: «به عنوان فخر و غرور نمی‌گویم، اما گاهی فکر می‌کنم زندگی‌ام همانند امیر شده. مجبورم سکوت کنم و از دردها و ناهنجاری‌ها نگویم. خودم را هم از دنیای مجازی جدا کرده‌ام.» او ادامه داد: «شاید به من بگویند ریاکار هستی، اما من این ریاکاری را بسیار دوست دارم. در نهایت شخصیت امیر فکر می‌کند که دیگر چیزی برای گفتن ندارد و برای همین تعادلش به هم می‌خورد و دست به آن تصمیم می‌زند.»

◇ انتخاب من موسیقی کلاسیک بود

قرایی درباره انتخاب موسیقی فیلم توضیح داد: «موسیقی این فیلم پروسه سختی بود و نمی‌خواستم خیلی مستقیم، موسیقی فیلم در ارتباط با فضا باشد. انتخاب من موسیقی کلاسیک بود و حامد ثابت به بهترین شکل از پس این کار برآمد. او آهنگ‌سازی است که می‌خواهم برای همه فیلم‌هایم با او کار کنم.» او در پایان از عماد خدابخش و مارال جیرانی، هدیه تهرانی، هادی حجازی‌فر، محمود دهقانی و امین میرشکاری برای حضور و همکاری در این فیلم تشکر کرد.

◇ خودم را بیشتر کارگردان می‌دانم

باران کوثری نیز درباره حضور در فیلم «بی‌همه‌چیز» گفت: «بدون حضور عوامل پشت صحنه من نمی‌توانستم از پس اجرای این نقش بر بیایم و اکنون خیلی خوشحالم برای اثری که دوستش دارم. در جشنواره فیلم فجر حضور دارم.» قرایی درباره نگارش فیلمنامه این فیلم گفت: «دوست دارم از محمد داوودی یاد کنم که انسانی درجه یک و فیلمنامه‌نویسی باخلاق است و در همه کارهای فیلمنامه‌نویسی من، کنارم بوده است.» او ادامه داد: «من اصراری ندارم که متن فیلم‌هایم را خودم بنویسم، و خودم را بیشتر کارگردان می‌دانم.» کارگردان «بی‌همه‌چیز» تصریح کرد: «اعتقادی به این ندارم که فیلم‌ساز باید خودش را ملزم بداند که در یک روند فکری، تصویری یا سلسله‌مراتبی کار کند و اعتقادی به این ندارم که چون کار قبلی‌ام در محیط شهری بوده، دوباره سراغ همان کار بروم.»

◇ شخصیت نوری برای ایجاد تعادل بود

قرایی به شخصیت نوری در فیلم اشاره کرد و گفت: «در نمایشنامه اصلی این شخصیت به عنوان زن وجود نداشت. ایده من این بود که تمام تصمیم‌گیرنده‌ها مردها هستند و باید یک زن میان آن‌ها برای به تعادل رساندن این ترکیب وجود داشته باشد. من فکر کردم این شخصیت با علاقه‌ای که به حیوانش دارد، باید زن باشد که عواطف را بهتر می‌تواند ترسیم کند.»

◇ به جایزه فکر نمی‌کنم

پرستویی در پاسخ به این سوال که آیا کاراکتر امیر مقصر است؟ پاسخ داد: «نقش من در موقعیت‌هایی مقصر است و در جاهایی هم تقصیری ندارد. به طور کلی می‌توان گفت که بی‌گناه نیست. اما باید ببینیم که او از دل چه انتهایی آمده است.» در ادامه کوثری نیز در پاسخ به این سوال که آیا فکر می‌کند با این نقش موفق به گرفتن سیمرغ می‌شود، گفت: «من به جایزه فکر نمی‌کنم. این به معنی آن نیست که جایزه خوشحالم نمی‌کند، بلکه خوشحالم هم می‌شوم، اما به این روند سلیقه‌ای فکر نمی‌کنم. گرفتن این نقش برایم جایزه محسوب می‌شود و چه بهتر که از معتبرترین جشنواره فیلم ایران جایزه هم بگیرم،

سیمیرغ مردمی جشنواره فجر و یک تحول بزرگ

انتخاب برگزیده فجر در همه استان‌ها



اگر تا سال‌ها محدودیت‌های بسیاری اجازه نمی‌داد آرای مردمی جشنواره فیلم فجر دربرگیرنده نظرات تمامی تماشاگران فیلم‌های جشنواره در شهرها و استان‌های مختلف باشد، اما امسال شکل متفاوت بلیت‌فروشی‌ها و شکل تازه‌ای که برای ثبت آرای مردمی انتخاب شده، موجب شده است مخاطبان در شهرها و استان‌های مختلف امکان آن را داشته باشند تا در رأی‌گیری شرکت کنند و فیلم برتر خود را برگزینند.

مسعود نجفی، مدیر روابط عمومی سی و نهمین جشنواره فیلم فجر، در توضیح تغییراتی که امسال در جمع‌آوری آرای مردمی اتفاق افتاده است، گفت: در تهران ۷۰ سالن سینما در اختیار جشنواره است و هم‌چنین ۳۰ استان و پنج منطقه آزاد نیز میزبان این رویداد سینمایی هستند و امسال برای نخستین بار همه ۱۶ فیلم

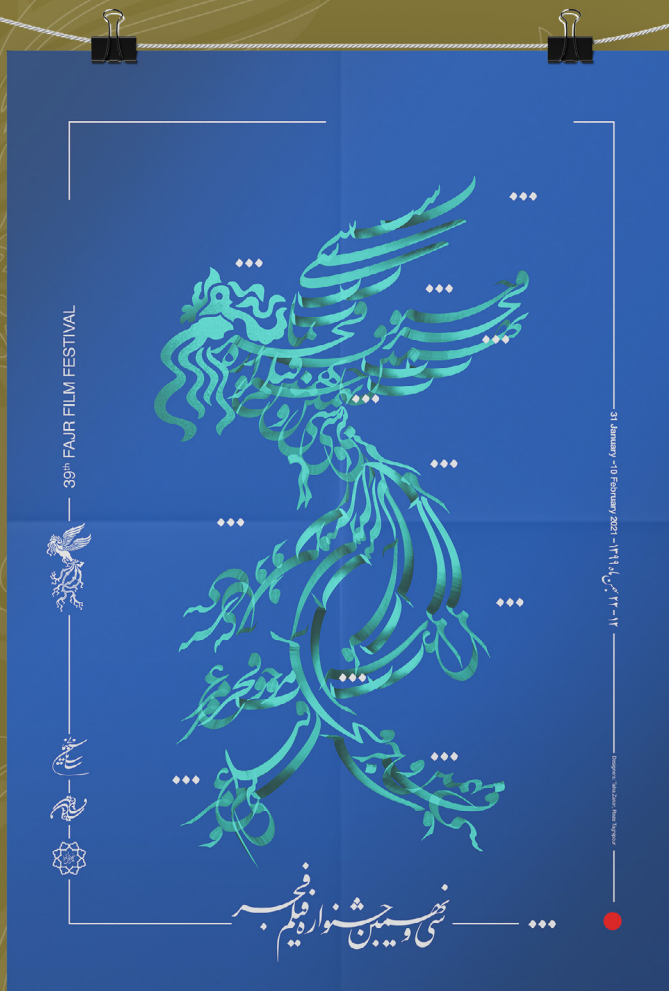
در این شهرها نمایش داده خواهند شد. او ادامه داد: تمامی تماشاگران جشنواره می‌توانند در رأی‌گیری مردمی هم شرکت کنند، به این ترتیب که بعد از دریافت بلیت، کدی برای تماشاگر ارسال می‌شود که افراد می‌توانند از طریق آن به فیلم‌ها رأی بدهند و سامانه سلفا رأی‌ها را جمع می‌کند.

نجفی ابراز امیدواری کرد به این ترتیب سیاست‌ها برای دستیابی به اهداف عدالت فرهنگی بیش از پیش محقق شود.

به نظر می‌رسد جمع‌آوری آرای مردمی به این شکل مشخصاً منجر به محقق شدن هدفی می‌شود که برگزارکنندگان جشنواره فیلم فجر سال‌ها پی‌گیر آن بودند و آن کم‌کردن کاهش نفوذ افراد و پیش بردن امور به شکل مکانیزه است.

اما سیمیرغ بلورین آرای مردمی یکی از مهم‌ترین جوایز جشنواره فیلم فجر محسوب می‌شود؛ جایزه‌ای که از سال ۱۳۷۶ به مجموعه جوایز این رویداد سینمایی اضافه شد. از سال شانزدهم جشنواره مسئولیت جمع‌آوری آرای مردمی برعهده خانه سینما قرار گرفت، زیرا نگاه‌ها به این نهاد صنفی به گونه‌ای بود که می‌توانست محلی امن برای شمارش آرا تلقی شود. خانه سینما تا سال‌ها عهده‌دار این مسئولیت بود تا این‌که در مدت زمان تعطیلی آن مدیریت دولتی کار شمارش آرا را به گونه‌ای دیگر پیش برد تا بعد از بازگشایی باز هم شمارش آرا به خانه سینما سپرده شود.

در تمامی این مدت شیوه‌ها و شگردهای مختلفی اتخاذ شد تا حتی به لحاظ روانی اعلام خبر برترین‌های آرای مردمی تأثیری روی مخاطبان نگذارد. اما به‌رحال هیچ‌گاه شیوه‌ای امن‌تر از ارزیابی مکانیزه شناخته نشد؛ شیوه‌ای که به نظر می‌رسد به عمر جشنواره‌ای که در آستانه ۴۰ سالگی قرار دارد، قد داده باشد.



گفت‌وگو با هانف علی‌وردانی، کارگردان فیلم «ستاره بازی»

تکرار تجربه ساخت فیلم اول

زله ساهلی از تجربه بازی در «شیشلیک» می‌گوید

نقش هایمر را بازی نه، زندگی می‌کنم

گفت‌وگو با امیرمهدی زوله، فیلمنامه‌نویس «شیشلیک»

تماشای «شیشلیک» با یک چشم خندان و چشمی گریان



گفت و گو با هاتف علیمردانی، کارگردان فیلم «ستاره بازی»

تکرار تجربه ساخت فیلم اول

◇ زهرا نجفی

هاتف علیمردانی در سی و نهمین دوره جشنواره فیلم فجر با فیلم «ستاره بازی»، فیلمی متفاوت به لحاظ پروداکشن، ظاهر شده است. بخش زیادی از فیلم «ستاره بازی» در آمریکا فیلم برداری شده و تعدادی از بازیگران هالیوودی هم در این فیلم حضور دارند؛ مایکل مدسن، مارشال منش، لیندا جویز... در کنار بازیگران ایرانی همچون فرهاد اصلانی، شبنم مقدمی و ملیسا ذاکری قرار گرفته‌اند تا نهمین فیلم علیمردانی را روایت کنند. این هشتمین حضور پیاپی علیمردانی در جشنواره فیلم فجر است. او می‌گوید این جشنواره را همیشه دوست داشته است و فجر همواره بهمن ماه او را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. هر چند بیشتر فیلم برداری «ستاره بازی» پیش از شیوع کرونا انجام شده بود، ولی ساخت این فیلم با سختی‌های زیادی همراه بوده است که در ادامه می‌خوانید.

می‌آیند. مهاجرت یک زنگ خطر اجتماعی است که به شدت نسل جوان ما را هدف قرار داده است و متأسفانه مسئله بسیار جدی است. از طرف دیگر، بسیاری از کسانی که مهاجرت می‌کنند، با نقاط قوت و ضعف مهاجرت آشنایی چندانی ندارند و به شدت با رویای غم‌انگیزی مواجه می‌شوند. چون پیش از مهاجرت هیچ تصویری از آن ندارند. فکر می‌کنند آرمان شهری خارج از ایران وجود دارد و به دنبال این آرمان شهر مهاجرت می‌کنند. من همه تلاش‌م را کرده‌م تا بدون این‌که قضاوتی کنم، با این‌که بخواهم حرف خودم را به کرسی بنشانم، واقعیت‌های مهاجرت را در فیلم «ستاره بازی» به تصویر بکشم. این اولین بار است که بعد از ۴۰ سال دوربین فیلم ایرانی واقعا در آمریکا کاشته شده است که ماحصل آن یک فیلم جدی است. پیش از این فیلم‌سازان بیشتر برای ساخت فیلم‌هایی که ساختار کمدی داشتند، به کشورهای اطراف ایران می‌رفتند، ولی «ستاره بازی» نه تنها در خود آمریکا فیلم برداری شد، بلکه ساختار آمریکایی هم دارد. در واقع جنس فیلم،

◇ فیلم قبلی شما «کلمبوس» درباره مشکلات مهاجرت به آمریکا بود. آیا فیلم «ستاره بازی» با توجه به این‌که هم در کانادا و آمریکا فیلم برداری شده است و هم بازیگران مشترکی با فیلم قبلی (شبنم مقدمی و فرهاد اصلانی) دارد، در ادامه همان فیلم است، یا داستانی متفاوت دارد؟
نه، در واقع می‌توانم بگویم که «ستاره بازی» در ادامه دغدغه‌های شخصی خودم است. موضوع این فیلم هم مهاجرت است؛ این‌که چطور می‌شود شخصیت‌هایی که نقششان را شبنم مقدمی و فرهاد اصلانی بازی می‌کنند، مهاجرت می‌کنند و برای زندگی به این‌جا

وقتی بهمن ماه از راه می‌رسد، جهان من تحت تاثیر جشنواره فیلم فجر قرار می‌گیرد. امیدوارم این جشنواره به جوانان بهای بیشتری بدهد، البته در دوره‌های اخیر فضا خیلی بهتر شده است و در زمانش به جوانان بها می‌دهند

درباره شبنم مقدمی باید بگویم که بازیگری است در خدمت کارگردان. اهل شوق نیست. بسیار بازیگر توانایی است و موقعیت را می‌شناسد. درباره ملیسا ذاکری که با او هم چندین تجربه همکاری داشته‌ام، باید بگویم که کدام بازیگری است که این همه به خودش رنج و سختی بدهد؟! فرهاد اصلانی هم همین‌طور. همه بازیگران فیلمم در سرمای ۲۵ درجه زیر صفر در بیابان به سختی کار کردند. اگر آن روحیه و حمایت را نداشتند، کار جلو نمی‌رفت.

◇ انتخاب بازیگران آمریکایی چطور صورت گرفت؟

آن‌جا ایجنتهای حرفه‌ای حضور دارند که بر اساس فیلمنامه پیشنهاداتی به ما ارائه دادند. ما هم از بین پیشنهادات آن‌ها انتخاب‌هایمان را انجام دادیم.

◇ درباره ساخت فیلم در دوران کرونا بگویید. مخصوصاً که فیلم‌برداری فیلم شما در خارج از کشور بود. با چه سختی‌ها یا موانعی روبه‌رو شدید؟

فیلم‌برداری ۷۰ درصد از کار ما قبل از کرونا انجام شده بود. ولی در ادامه راه مجبور شدیم پروداکشن کار را از گروه ۵۰ نفره به گروه ۱۰ نفره تغییر دهیم. از یک جهت کار بسیار سخت شد. ولی از طرف دیگر، من چیزهای بسیاری یاد گرفتم که شاید اگر گروهم بزرگ‌تر می‌شد، این تجربیات را به دست نمی‌آوردم. همه گروهم در این دوران از دل و جان مایه گذاشتند. مثلاً ملیسا ذاکری در این شرایط، در عمق پنج متری آب، آن هم آب‌های آلوده با وزنه ۲۰ کیلویی زیر آب رفت و حتی دچار خفگی شد. کلیه‌اش عفونت کرد و باز

فضاها و موقعیت‌هایی که در فیلم طراحی شده، زبان متفاوتی نسبت به آن‌چه تجربه کردیم، دارد.

◇ ساخت فیلم در آمریکا چه ویژگی‌ها و چالش‌هایی داشت؟ آیا شما به راحتی می‌توانستید در آن‌جا فیلم بسازید؟

بله، به راحتی. چون یک شرکت فیلم‌سازی کانادایی کارهای تولید ما را در آن‌جا هماهنگ می‌کرد. بنابراین تولید بسیار حرفه‌ای بود؛ چه به لحاظ پروداکشن، چه به لحاظ تعداد بازیگران و چه به لحاظ بازیگران هالیوودی. ترکیب بازیگران هالیوودی در کنار تیم ایرانی واقعا فوق‌العاده بود. بنابراین از این وجوه مشکلی وجود نداشت، ولی هنگام ساخت «ستاره بازی» احساس می‌کردم دارم ساخت فیلم اولم را تجربه می‌کنم. ما در ایران خیلی راحت و هیئت‌ی فیلم می‌سازیم و کاستی‌ها را به کمک هم حل می‌کنیم، ولی در آن‌جا تجربه متفاوت بود. البته تیم فیلم‌سازی من بسیار خوب خودشان را با ما هماهنگ کردند. دلیل این سختی هم می‌توانم بگویم مدیریت نیروهای فوق حرفه‌ای با نیروهای محلی بود و بالانس کردن این آدم‌ها با هم کار سختی برای من بود.

◇ فیلم «ستاره بازی» چهارمین همکاری شما با فرهاد اصلانی و سومین همکاری شما با شبنم مقدمی است. چه ویژگی‌هایی در یک بازیگر باید وجود داشته باشد تا شما بخواید همکاری‌تان را با آن بازیگر بارها تکرار کنید؟ آیا به طور خاص در مورد آقای فرهاد اصلانی و خانم شبنم مقدمی می‌توانید بگویید تداوم همکاری‌تان با این دو بازیگر ناشی از چیست؟

فارغ از نقاط قوت و ضعف یک بازیگر، وقتی با بازیگری سال‌ها کار می‌کنید، یک رابطه‌ای ایجاد می‌شود که باعث می‌شود از هم شناخته به دست بیآورید و مشخص می‌کند که چقدر می‌توانید روی بازیگری کار کنید. بیشتر فیلم‌سازان ترجیح می‌دهند گزینه‌هایشان را تغییر دهند، ولی من تابه‌حال سعی کردم افراد تیمم را حفظ کنم و این در همه زمینه‌ها اتفاق می‌افتد. مثلاً من با تدوین‌گرم برای هشتمین بار است که کار می‌کنم. بسیاری از عوامل تولید فیلمم سال‌هاست که با من کار می‌کنند.





ویژگی‌های خاصی که در تولید دارد، در کجای کارنامه هنری شما قرار می‌گیرد؟

راستش را بخواهید، من هر فیلم جدیدی که می‌سازم، به نظرم می‌آید که بهترین فیلم زندگی‌ام را ساخته‌ام. برای همین باید منتظر باشیم تا فیلم به نمایش دربیاید و بازخورد‌ها را ببینیم و بعد در مورد این که «ستاره بازی» در کجای کارنامه من قرار می‌گیرد، صحبت کنیم. باید زمان بگذرد.

♦ شما اولین بار که به عنوان فیلم اولی در جشنواره فیلم فجر شرکت کردید، به خاطر فیلم «راز دشت تاران» مورد تقدیر قرار گرفتید. بعد از آن هم دو بار نامزد دریافت سیمرغ بودید. فکر می‌کنید جشنواره فیلم فجر چه تاثیری روی شما در آن مقطع زمانی گذاشت؟

البته بسیاری از بازیگران یا عوامل دیگر فیلم‌هایم در جشنواره فیلم فجر جایزه گرفته‌اند. کارهای خودم معمولاً در فضایی بوده که بدشانسی آورده‌ام. پادم می‌آید سر فیلم «به خاطر پونه» دبیر جشنواره به من می‌گفت اگر فیلم داخل مسابقه بود، حتماً کاندیدای جایزه می‌شد. آن موقع شرایطی وجود داشت که برای این فیلم دردسر ایجاد کرد. همیشه فکر می‌کنم باید به موقع به یک کارگردان جایزه بدهند. من تاکنون هفت دوره پیاپی است که در جشنواره فیلم فجر حضور داشته‌ام. این دوره هشتمین حضور من در فجر است. فکر می‌کنم رکورددار هستم. من جشنواره فیلم فجر را دوست دارم. این جشنواره چراغ سینمای ایران است و باید چراغش روشن بماند. با وجود بی‌مهری که فجر تاکنون نسبت به من داشته است، هنوز هم برای من بوی قدیم را می‌دهد، همان تپش قلبی که به عنوان تماشاگر در صف جشنواره فیلم فجر حس می‌کردم. من به آن دلهره‌ها و دلواپسی‌ها علاقه دارم. هنوز هم که هنوز است، وقتی بهمن‌ماه از راه می‌رسد، جهان من تحت تاثیر جشنواره فیلم فجر قرار می‌گیرد. امیدوارم این جشنواره به جوانان بهای بیشتری بدهد، البته در دوره‌های اخیر فضا خیلی بهتر شده است و در زمانش به جوانان بها می‌دهند. فیلم‌سازان جوانی که به آن‌ها دیر بها داده می‌شود، دل‌شکسته‌تر می‌شوند و نمود این دل‌شکستگی را در آثارشان می‌بینیم.

هم به کار ادامه داد. برای ساخت فیلم «ستاره بازی» حدود ۶۷ جلسه فیلم‌برداری داشتیم که با تمام سختی‌هایش انجام شد.

♦ به نظر شما چقدر تولید مشترک و خارج شدن از فضاهای معمول مورد استقبال مخاطب ایرانی قرار می‌گیرد؟

من فکر می‌کنم این کار باید به‌ضرورت اتفاق بیفتد. چون هر کسی می‌تواند در مورد مسائلی شناخت عمیق‌تر و بهتری داشته باشد که در آن جا زندگی می‌کند و در بطن ماجرا حضور دارد. مگر این که سوزه متفاوتی باشد که بخواهید در فضای دیگری فیلم بسازید. حداقل فیلم‌های رئالیستی به دنبال جبر اجتماعی جامعه هستند و ساخت چنین فیلم‌هایی نیاز به شناخت دقیق از مسائل روز دارد، از ارتباطات، دغدغه‌ها، تقابلات و هزاران موضوع دیگر که باعث می‌شود فیلم‌ساز بتواند حرف مهمی بزند. مثلاً در آمریکا من چقدر می‌توانم به شناخت شهروندان و مسائل آن‌ها نزدیک شوم؟! یا چقدر از روابط اجتماعی آن‌ها می‌دانم. این‌ها همه مسائلی است که باید به آن توجه کنیم. صادفانه بگویم بدون شناخت، حرف مهمی نمی‌تواند وجود داشته باشد. مسئله مهاجرت، موضوع دیگری است که امکان تغییر محیط را فراهم می‌کرد.

♦ تاکنون ما هشت فیلم از شما دیدیم که تا جایی که من به خاطر دارم، به غیر از «کلمبوس» فضای فیلم‌های دیگرتان اجتماعی است. چه چیزی باعث می‌شود به سراغ کمدی بروید و پس از آن باز هم دوباره فیلم جدی بسازید؟

من سعی می‌کنم زبان‌های مختلف سینمایی را تجربه کنم. دو فیلم اول من کار کودک است. من حتی کار انیمیشن هم انجام داده‌ام. همه این فیلم‌ها تجربه‌های من در فیلم‌سازی هستند. فیلم‌ساز برای این که بتواند حرفش را بزند، با توجه به موقعیت و زمان، نوع ساختار را انتخاب می‌کند و این موضوع که در کدام ژانر یا مدیوم کار می‌کنم، برای من تفاوت چندانی ندارد. مهم این است که بتوانم حرفم را در قالب سینما بزنم.

♦ فکر می‌کنید فیلم «ستاره بازی» با تمام



ژاله صامتی از تجربه بازی در «شیشلیک» می‌گوید

نقش‌هایم را بازی نه، زندگی می‌کنم

◇ محمد مهدی درستی

ژاله صامتی از آن دست بازیگران سینمای ایران است که با نقش‌آفرینی‌های متفاوت خود در فیلم‌های درام و کمدی همواره ضمن جلب نظر منتقدان و اهالی سینما، دل مخاطبان را هم به دست آورده و به اصطلاح بازی‌هایش به دل تماشاگر می‌نشیند. موفقیتی که فارغ از تجربه و توانایی قابل توجه او در بازیگری، ناشی از انتخاب‌های درست و دقیق او برای انتخاب نقش‌ها طی سال‌ها فعالیت در حوزه سینما، تئاتر و تلویزیون است.

این بازیگر در سی و نهمین دوره جشنواره فیلم فجر با فیلم سینمایی «شیشلیک» ساخته متفاوت محمدحسین مهدویان حضور پیدا کرده است؛ فیلمی که وجه دیگری از بازی او را مقابل دید تماشاگران سینمای ایران قرار داده است. صامتی در گفت‌وگو با نشریه روزانه جشنواره فیلم فجر از تجربه حضور در این فیلم سینمایی می‌گوید.

و نقش جذابم در فیلم منجر به این شد که در گروه بازیگران فیلم «شیشلیک» حضور داشته باشم.

◇ نقش شما در این فیلم چه ویژگی‌هایی دارد و مخاطب با چه زوایایی از بازی شما روبه‌رو خواهد شد.

من هیچ‌وقت خودم را در بازیگری تکرار نمی‌کنم. به عنوان مثال، اگر در فیلم کمدی یا جدی نقشی را ایفا کردم که موفق بوده است، هیچ‌وقت در فیلم دیگری آن را تکرار نمی‌کنم. به‌هرحال ما به عنوان یک فرد ایرانی وجه اشتراکاتی داریم که ممکن است شباهت‌هایی را با خود به‌همراه

◇ از حضور در فیلم سینمایی «شیشلیک» بگویید. چطور شد که بازی در این فیلم سینمایی را پذیرفتید؟

من از طرف آقای محمدحسین مهدویان و محمدرضا منصوری برای بازی در فیلم سینمایی «شیشلیک» دعوت شدم. فیلمنامه را خواندم و بسیار آن را دوست داشتم، چراکه بسیار شسته رفته و خوب بود. حضور رضا عطاران، کارنامه درخشان آقای مهدویان

محمدحسین مهدویان فیلم‌سازی آگاه و باهوش است و با روحیه‌ای که از او سراغ دارم، در هر حوزه‌ای که به فعالیت بپردازد، موفق خواهد بود و عملکردی درخشان خواهد داشت

کیفیت نقش برایم بسیار مهم است. من شاید جزو نادر بازیگرانی هستم که در پروژه هم‌زمان بازی نمی‌کنم، حتی اگر یک روز با هم تداخل داشته باشند. به صورت کلی آدم سخت‌گیری هستم و حضورم در فیلم «شیشلیک» هم از این قاعده مستثنا نبود. من همواره وقتی اسم کارگردان مطرحی به میان بیاید، فیلمنامه را می‌خوانم، اما همیشه این‌طور نیست که به واسطه مطرح بودن نام کارگردان، نقش پیشنهادی را که دوست ندارم، بپذیرم و آن را بازی کنم.

◇ در واقع در بازیگری قائل به مرزبندی نیستید؟

بله، هیچ‌وقت برای من مرزبندی در بازیگری بین آثار کمدی و جدی وجود نداشته است. در سینمای ایران هم معدود بازیگرانی هستند که هم‌زمان در حوزه کمدی و درام به ایفای نقش می‌پردازند. این توانایی در من از الطاف خداوند است.

◇ شما اغلب در نقش آفرینی‌های خود در فیلم‌های کمدی یا اجتماعی توجه مخاطبان و منتقدان را به خود جلب کرده‌اید. با توجه به این‌که هنرمندی برآمده از تئاتر هستید، تا چه اندازه این اتفاق را ثمره تجربیات و اندوخته‌های آن حوزه برای خود در حوزه تصویر می‌دانید؟

من همواره به همه هنرجویانم توصیه می‌کنم که تجربه بازیگری خود در تئاتر را ارتقا ببخشند، چون در عرصه تصویر بسیار کمکشان خواهد کرد. در تئاتر بازیگر به صورت زنده، بدون هر گونه کات دادن یا تکرار، با آمادگی صددرصد و تمرکز بسیار بالا یک تا دو ساعت مقابل ۲۰۰

داشته باشد. مانند همه ما که در یک مجموعه به هم شبیه هستیم، اما در جزئیات تفاوت داریم. نقش من در «شیشلیک» هم با تمامی بازی‌های من در گذشته متفاوت است. ما در این فیلم، کمدی موقعیت کار کردیم که بهترین و زیباترین نوع کمدی است و شخصیت‌های این فیلم از نظر خودشان خنده‌دار نیستند، بلکه از بیرون خنده‌دار به نظر می‌رسند و در موقعیت‌هایی کمدی قرار می‌گیرند که برای خودشان بسیار غم‌انگیز و تلخ است.

نسخه نهایی فیلم را ندیده‌ام، اما به نظرم فیلم با تمام تغییرات احتمالی اثر بسیار خوبی است و قطعاً با تمام فیلم‌هایی که من پیش‌تر بازی کردم، متفاوت است.

◇ در کارنامه شما نقش آفرینی‌های متعدد و متنوعی در فیلم‌های کمدی و جدی به چشم می‌خورد. این رویکرد تا چه اندازه حکایت از علاقه شما به کسب تجربه‌های جدید دارد؟

بله، همواره من در بازیگری به دنبال تجربه‌های نو هستم و هیچ‌وقت به سراغ کاراکترهای یکسان نمی‌روم. کارنامه کاری من هم نشان می‌دهد که سخت‌کار هستم و به هر قیمتی بازی نمی‌کنم. مثلاً زمانی یک سکانس در یک فیلم بازی کردم و حدود دو سال کار نکردم. ترجیح می‌دهم از میان فیلمنامه‌های پیشنهادی، نقش‌های فوق‌العاده و چالش‌برانگیز را انتخاب کنم. من سالی حداقل ۲۰ فیلمنامه می‌خوانم، اما در نهایت یک یا دو فیلم کار می‌کنم. چون نقش‌هاییم

را بازی نمی‌کنم، بلکه آن‌ها را زندگی می‌کنم و به همین دلیل نمی‌توانم به صورت متعدد و پشت سر هم در آثار مختلف حضور داشته باشم و





محمدحسین مهدویان در پشت صحنه شیشلیک

است. محمدحسین مهدویان هم فیلم‌سازی آگاه و باهوش است و با روحیه‌ای که از او سراغ داریم، در هر حوزه‌ای که به فعالیت بپردازد، موفق خواهد بود و عملکردی درخشان خواهد داشت. ضمن این‌که قطعاً هر فرد بر توانایی‌های خود بیشتر از دیگران آگاه است. البته منظورم افراد طبیعی است نه کسانی که متوهم هستند و به اشتباه فکر می‌کنند بسیار توانمندند.

◇ تجربه همکاری شما با رضا عطاران و پژمان جمشیدی به فیلم‌های سینمایی، سریال‌های تلویزیونی و تئاتر باز می‌گردد. این بار در فیلم سینمایی «شیشلیک» با هر دو بازیگر هم‌بازی شده‌اید. این تجربه چطور بود؟

بدون شک تجربه‌ای بسیار جذاب بود. من پیش از این با رضا عطاران در فیلم‌های سینمایی هم‌بازی بودم که به عنوان زن و شوهر در کنار هم حضور داشتیم و زوج بامزه‌ای هم بودیم. اما با پژمان جمشیدی موقعیت‌های مختلفی را در فیلم‌های سینمایی و چند نمایش تجربه کردم. مثلاً در فیلم سینمایی «تگزاس» نقش مادر، در سریال «زیرخاکی» نقش همسر و در تئاتر نقش نامزد او را بازی کردم. در فیلم سینمایی «شیشلیک» اما نقش خواهر او را بازی کردم که به نظرم اتفاقی بسیار جذاب است، چون با نقش‌آفرینی‌های پیشین بسیار متفاوت است.

در کل تجربه ایفای نقش در کنار این دو بازیگر برای من بسیار لذت‌بخش و دوست‌داشتنی بود.

۳۰٪ تماشاگر به ایفای نقش می‌پردازد. این تجربه سخت و البته بسیار جذاب کمک بزرگی به بازیگر می‌کند تا بر احساسات و عواطف نقش مسلط شود. بازیگر وقتی از ایفای نقش در تئاتر سربلند بیرون می‌آید، چم و خم بازی در حوزه تصویر برای او به‌شدت راحت است. در واقع تئاتر بازیگر را آب‌دهیده می‌کند تا مهم‌ترین الزامات بازیگری مانند تمرکز را به دست آورد و بدین ترتیب، هیچ اتفاقی مانع از ایفای نقش درست توسط او نمی‌شود.

◇ حضور در متفاوت‌ترین تجربه

محمدحسین مهدویان که پیش از این فیلم‌هایی با موضوع تاریخ معاصر و مسائل اجتماعی ساخته است، شاید از نظر بسیاری از بازیگران ریسک به شمار بیاید. نظر شما در این باره چیست؟

به نظرم این اتفاق ناشی از هوشمندی یک کارگردان است. در واقع یک فیلم‌ساز که بر حوزه‌ای مشخص مسلط شده است، وقتی حوزه فیلم‌سازی خود را تغییر می‌دهد، اقدامی قابل تحسین انجام داده، چون نشان‌گر اطمینان او به توانایی‌های خودش



گفت و گو با امیرمهدی ژوله، فیلمنامه‌نویس «شیشلیک»

تماشای «شیشلیک» با یک چشم خندان و چشمی گریان

◇ محمد مهدی درستی

امیرمهدی ژوله پس از سال‌ها تجربه‌اندوزی در حوزه مطبوعات و قدم به قدم پیش رفتن در زمینه نگارش فیلمنامه در تلویزیون حالا به نخستین فیلم سینمایی خود در مقام فیلمنامه‌نویس رسیده است. او بر خلاف آن‌که توقع می‌رفت شاید اولین فیلمنامه سینمایی خود را برای یکی از کمدی‌سازان سرشناس بنویسد، مخاطب را غافل‌گیر کرد و با محمدحسین مهدویان در «شیشلیک» همراه شد.

این فیلم سینمایی نه فقط نقطه قابل توجه در کارنامه ژوله است، بلکه برای مهدویان هم یک گام متفاوت محسوب می‌شود. کارگردانی که با فیلم‌های تاریخ معاصر خود توانسته مخاطبان پروپاقرصی بیابد، حالا تغییر فضایی را تجربه کرده است.

ژوله که در مسیر فیلمنامه‌نویسی به گفته خود شانس همراهی با سرشناس‌ترین چهره‌های این عرصه را داشته، در جریان ورود به سینما هم با یکی از کاربلدهای عرصه کارگردانی همراه شده است، به گونه‌ای که به گفته این نویسنده و بازیگر آن‌چه او برای مسیر ورود به سینما برای خود تصور کرده بود، در جریان نگارش و ساخت «شیشلیک» اتفاق افتاد. ژوله در گفت‌وگویی با نشریه روزانه سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر از چگونگی شکل‌گیری همکاری خود با مهدویان و نگارش این فیلمنامه صحبت کرد.

موضوع خوبی که درباره من وجود دارد و اسم آن می‌تواند دعای خیر پشت سرم، شانس، نعمت، موهبت الهی یا هر چیز دیگری باشد، این است که من تمامی کارهایم، از جمله فعالیت‌م در مطبوعات، ورودم به تلویزیون و حضورم در سینما را با افراد بسیار خوبی شروع کردم. یعنی همان‌طور که کار مطبوعاتی را از هفته‌نامه تماشاگران و چلچراغ آغاز کردم و همکاری‌ام با

◇ وقتی از فضای مطبوعات وارد دنیای فیلمنامه‌نویسی شدید، قطعا تحولی را تجربه کردید، حالا این تحول، زمانی که از فیلمنامه‌نویسی کارهای تلویزیونی به آثار سینمایی رفتید، حس شد؟

شیشلیک برای من اتفاق خیلی خوبی بود و آن را به آقای مهدویان هم گفتم، چون پیشنهادات و نظرات او در عرض ایده‌های من نبود، بلکه در طول آن‌ها قرار می‌گرفت و در واقع ایده‌ها را تکمیل می‌کرد. در کل تجربه عجیب و خوبی برایم بود

روزنامه‌نگاران درجه یک این مملکت در حوزه ورزش و طنز ادامه پیدا کرد. در تلویزیون هم در ابتدای راه با پیمان قاسم‌خانی همراه شدم. سریال «اکمربندها را ببندیم» اولین همکاری ما بود و از سریال «شب‌های بره» هم با آقای مدیری همکاری کردم و این فرصت را داشتم تا آن‌چه را دوست داشتم، از جمله شوخی‌ها، مضامین و غیره را در متن‌هایم بگنجانم و این عزیزان به بهترین شکل آن را اجرا کنند و ارائه دهند.

◇ به نظر می‌رسد در حوزه سینما هم همین مسیر پیش راه شما قرار گرفته است...

بله، بسیار خوشحالم که در حوزه سینما هم این اتفاق افتاد. یادم است از سال‌ها پیش و سر سریال «شب‌های بره» از تهیه‌کننده گردن کلفت این مملکت پیشنهاد کار سینمایی داشتم، ولی نشد، یا نخواستیم. من مدام فکر می‌کردم در تلویزیون با مهران مدیری کار کردم که برای خود غولی است، با او در بالاترین سطح کمدی کار کردم و به همین دلیل باید به سینما هم با قصه یا فیلمنامه‌ای که دوست داشتم، ورود کنم تا اتفاقات خوشایندی که قبلاً برایم افتاده بود، در سینما هم تکرار شود.

◇ «شیشلیک» دقیقاً همانی بود که تصور کرده بودید؟

بله، خوش بختانه این اتفاق افتاد و «شیشلیک» که برآمده از قصه خودم بود، با نگاه و اجرای محمدحسین مهدویان که کارگردان بسیار درجه یکی است و من کار او را بسیار دوست دارم و طرفدارش بودم، ساخته شد. خیلی خوشحالم و افتخار می‌کنم که او پیشنهاد من را برای ساخت این فیلم پذیرفت. انگار این قصه را سال‌ها می‌شناخت و این فیلم را بارها ساخته بود، چون در همان اول فهمید که چه لحنی باید داشته باشد، چه کسانی باید در فیلم بازی کنند و کجا باید این فیلم را بسازد. این فصل مشترک کارهایی است که من کرده بودم و خدا را شکر که این اتفاق افتاد.

◇ آن‌چه طی این سال‌ها، چه در عالم مطبوعات، چه در فیلمنامه‌نویسی تلویزیونی و چه در عرصه بازیگری، از سر گذرانده‌اید، در جریان نگارش

نخستین فیلمنامه سینمایی چقدر به کمک شما آمد؟

فعالیت در مطبوعات برای من توأم با دغدغه‌مندی بود. این نگاه و بی‌گیری کردن دغدغه‌هایم همواره همراه من بود و در تمامی کارهایی که با آقای مدیری انجام دادم، هیچ‌وقت کمدی برای کمدی یا طنز برای طنز وجود نداشت و همواره یک دغدغه و حرفی برای گفتن بود.

فارغ از دغدغه‌مند بودن، فعالیت در مطبوعات به من کمک کرد تا یاد بگیرم قرار نیست آن‌چه را که دوست دارم، بنویسم، بلکه آن‌چه را بنویسم که ممیزی به من اجازه می‌دهد و قابل چاپ است و اگر غیر از این باشد، من مسئول هستم و تمامی افراد فعال در نشریه از سردبیر تا مدیرمسئول به واسطه نوشته من مسئول شناخته می‌شوند. این مسئله کمک کرد تا من خیلی زود بتوانم خودم را با شرایط تلویزیون وفق دهم و بدانم بالاخره محدودیت‌ها، خطوط قرمز و سلیقه‌ها چیست و چیزی به نام خوب مطلق وجود ندارد.

در زمینه تلویزیون هم با بهترین افراد کار کردم؛ در نویسندگی از پیمان و مهران قاسم‌خانی و خشایار لوند یاد گرفتم و آبدیده شدم و از مهران مدیری هم شناخت از کمدی، اندازه شوخی، دغدغه‌مند بودن کمدی و... را آموختم و این مسائل در من نهادینه شد.

◇ آن‌طور که شنیده‌ها در مورد فیلم حکایت دارد، هر چند که فضای کار می‌تواند خنده ایجاد کند، اما خنده را در موقعیت تلخ خلق کرده‌اید. کمی درباره این فضا سازی توضیح دهید.

من این‌طور نیستم که در ابتدا فکر کنم الان





چند سیناپس زدم و سپس درباره آن‌ها با آقای مهدویان گپ زدیم و او درباره لحنی که می‌خواهد فیلم را براساس آن بسازد، صحبت کرد و من هم درباره مسیره‌های قصه حرف زدم. چون ابتدا، وسط و انتهای قصه از آغاز معلوم بود و تا پایان همان‌طور ماند. هم چنین درباره این‌که به کدام سمت برویم، شخصیت‌ها چطور باشند و غیره با هم صحبت کردیم و در نهایت نسخه اول را نوشتم و خواندند، بازیگران خوبی هم مانند آقای رضا عطاران داشتیم که با خود ایده‌هایی آوردند و فیلمنامه خیلی زود نوشته شد.

◇ و از نتیجه کار راضی هستید؟

این پروژه برای من اتفاق خیلی خوبی بود و آن را به آقای مهدویان هم گفتم، چون پیشنهادات و نظرات او در عرض ایده‌های من نبود، بلکه در طول آن‌ها قرار می‌گرفت و در واقع ایده‌ها را تکمیل می‌کرد. در کل تجربه عجیب و خوبی برایم بود و متصد و مشتاق این هستم که چنین تجربه‌ای را بار دیگر با قصه‌ای که دوست دارم، به همراه محمدحسین مهدویان تکرار کنم.



می‌خواهم کار تلخ انجام دهم، با عنوان و ژانر را انتخاب کنم. من قصه‌ای داشتم که مطابق با سلاطین و علایق من، دغدغه‌مند بود و در واقع کم‌دی مورد علاقه من هم کم‌دی درددار است که آدم با یک چشم بخندد و با چشم دیگرش اشک بریزد.

در کارهایی هم که با آقای مدیری انجام دادیم، همیشه ردی از این مسئله وجود داشته است و من همواره این شیفت کردن از خنده به گریه یا تغییر فضا از ظاهر کم‌دی به لایه‌های درونی دردناک را دوست داشتم.

◇ محمدحسین مهدویان کارگردانی است که پیش از این کاملاً در فضای جدی و حتی در نوعی فیلم‌های تاریخی (تاریخ معاصر) فیلم‌سازی می‌کرد. چطور او ساخت این فیلمنامه را عهده‌دار شد؟

یک روز به همراه آقایان محمدحسین مهدویان، محمدرضا منصوری و مصطفی احمدی پشت صحنه برنامه «دوره‌می» مشغول خوردن ناهار بودیم. این دوستان برای کارهای پس از اکران فیلم «درخت گردو» گپ می‌زدند و من هم برای کمک به «دوره‌می» آقای مدیری آمده بودم. در این حین به آقای مهدویان گفتم دوست ندارید کم‌دی کار کنید؟ پرسید قصه‌ای دارید؟ قصه را برای او تعریف کردم و او هم در جا گفت من باید این فیلم را بسازم و همان‌جا قرارداد بسته شد. آقای مهدویان بیشتر از این‌که دنبال این باشد که در این ژانر یا آن ژانر کار کند (حال ممکن است درونیات خودش این‌طور باشد)، قصه را دوست داشت و با باور و اعتقاد با آن همراه شد و چنین بود که همراهی و هم‌دلی ما شکل گرفت.

◇ چقدر او در جریان نگارش فیلمنامه شما قرار داشت و در این مورد نظر و پیشنهادی ارائه می‌کرد؟

من بر حسب عادتستی که طی سال‌ها فیلمنامه‌نویسی دارم، برای دل خود مطلبی را نمی‌نویسم که آماده باشد، بلکه اگر فکر یا ایده‌ای داشته باشم، با کارگردان مطرح می‌کنم و اگر او دوست داشت، نگاه او و خودم را درباره فیلمنامه یکی می‌کنیم و قدم به قدم با هم جلو می‌رویم. در مورد «شیشلیک» هم اول طرح چند صفحه‌ای وجود داشت و براساس آن من



فيلمهايا كه نقطه عطف كارنامه سازگان خود نام گرځند
چراغ سبز جشنواره فجر به تغيير مسيرها



لينفوكو فيك
سبقت در پيچ تند





فیلم‌هایی که نقطه عطف کارنامه کارگردان خود نام گرفتند

چراغ سبز جشنواره فجر به تغییر مسیره‌ها

چرخش آبیاری به سمت فیلمی با موضوع اجتماعی

اگر «شیار ۱۴۳» را فیلمی فرض کنیم که توانست موجب جلب توجه بسیاری به نرگس آبیاری به عنوان کارگردانی جسور شود، باید گفت «ابلق» به‌کلی نه تنها از «شیار ۱۴۳» جداست، بلکه با فیلم‌های دیگر او هم فاصله دارد. این کارگردان سینما هر چند که به خوبی توانسته نشان دهد هم می‌تواند دل مخاطب را به دست بیاورد، هم جشنواره فجر و هم جشنواره‌های خارجی، اما آن قدر در خود جسارت دیده که اصراری برای ادامه راه در مسیر امتحان پس داده نداشته باشد و بخواهد وارد فاز دیگری از فیلم‌سازی شود. او بعد از «شیار ۱۴۳»، «نفس» را ساخت که آن هم به نوعی در فضایی نه چندان دور از اثر قبلی بود. اما این کارگردان برای «شبی که ماه کامل شد» به عنوان یک تریلر با موضوع ملتهد امنیتی راهی مناطق مرزی شد و پروداکشن دشواری را از سر گذراند، و نتیجه این تلاش خود را هم دید و فیلم در جشنواره فجر موفق به کسب جوایز بازیگری و کارگردانی و بهترین فیلم شد. داستان پر آبیاری و سازندگان فیلم از جشنواره سی‌وهفتم این تصور را ایجاد کرده بود که احتمالاً او هم چنان این راه را ادامه دهد، اما او به سمت موضوعی برآمده از دل اجتماع چرخیده و فیلم خود را در فضایی یکی از آسیب‌های اجتماعی ساخت. هر چند او از بازیگران فیلم قبلی خود در این کار بهره برده، اما به نظر می‌رسد خواسته همان تجربه

شاید این توقع بعید به نظر برسد که جشنواره فجر از تغییر مسیر فیلم‌سازان، به‌خصوص فیلم‌سازانی که در مسیری خود به ثبات رسیده و موفق به کسب جوایزی از جشنواره شده‌اند، استقبال کند. اما یک نگاه آماری نشان می‌دهد اتفاقاً جشنواره فجر در برخی موارد از این تغییرات استقبال کرده‌است.

امسال دو کارگردان شناخته‌شده سینمای ایران که البته هم چنان جزو فیلم‌سازان جوان محسوب می‌شوند، با آثاری متفاوت نسبت به پیشینه کاری خود در جشنواره حاضر شده‌اند. محمدحسین مهدویان و نرگس آبیاری دو فیلم‌هایی ساخته‌اند و به جشنواره سی‌ونهم ارائه کرده‌اند که پیش از این در فضای مشابه آن کار نکرده بودند. این بهانه‌ای است برای بررسی حضورهای متفاوت کارگردانان در جشنواره و میزان استقبالی که از آنان در این رویداد سینمایی شده‌است.



حاتمی کیارسید.

اتفاقی مشابه حدود ۱۲ سال بعد باز هم برای این کارگردان رخ داد. او سال ۸۳ «به رنگ ارغوان» را ساخت. اما فیلمش در توقیف بود تا ۱۳۸۸ که فیلم به جشنواره فجر آمد و اتفاقاً از جوایز جشنواره هم بهره‌مند شد. یکی از جوایز، سیمرغ بلورین کارگردانی بود که در دستان حاتمی کیا قرار گرفت. او در این فیلم از فضای غالب فیلم‌های خود که مربوط به افراد جبهه و جنگ است، فاصله گرفت و از افراد امنیتی سخن گفت.

مجید معینی با فیلم‌هایی چون «بچه‌های آسمان» و «باران» که هر دو آثاری در سینمای کودک و نوجوان بودند، موفق به کسب سیمرغ شد. اما وقتی در سال ۱۳۸۳ با «بید مجنون» که فیلمی کاملاً متفاوت با ساخته‌های قبلی‌اش بود، در جشنواره حضور یافت، نه تنها داوران اثر او را نادیده نگرفتند، بلکه آن را بسیار پسندیدند و جایزه بهترین کارگردان را به معینی اهدا کردند.

محمدحسین لطیفی در جشنواره بیست و پنجم با «روز سوم» آمد، مخاطب او را پیش از آن با کمدها یا فیلمی که در ژانر وحشت ساخته بود، به خاطر می‌آورد. این تغییر مسیر لطیفی که البته ادامه نیافت، نه تنها نظر داوران را جلب کرد، بلکه به زعم بسیاری از منتقدان هم چنان بهترین فیلم این کارگردان را رقم زد.

احمدرضا درویش برای ساخت «رستاخیز» حدود ۱۰ سال زمان گذاشت و وقتی فیلم که با موضوع قیام عاشورا ساخته شده بود، به سی و دومین جشنواره فجر آمد، کنجکاوی بسیاری برانگیخته بود. مخاطب، درویش را با فیلم‌های دفاع مقدسی یا فیلم‌هایی مرتبط با دفاع مقدس به خاطر می‌آورد. اما این فیلم به‌کل در فضای تاریخی و مذهبی بود. نتیجه سیمرغ کارگردانی برای درویش و البته به نمایش درنیا آمدن آن تا زمان نگارش این گزارش است. بهرام توکلی هم از نسل جوان فیلم‌سازی است که هر چند پیش از «تنگه ابوقریب» در جشنواره فجر توجه‌ها را به خود جلب کرده بود و لطف کلام و تصویرش بردل مخاطب نشست است. اما در «تنگه ابوقریب» خود را در معرض آزمونی سخت قرار داد که نتیجه آن دریافت سیمرغ بود. او فیلمی با موضوع دفاع مقدس ساخت و این بار هم توانست نظرها را به خود جلب کند.

قبلی را تکرار کند و به دنبال ساخت دنیای تازه‌ای بوده است.

حالا باید دید دنیای خلق‌شده از سوی این کارگردان در جشنواره سی و نهم با چه میزان استقبالی مواجه خواهد شد؟

محمدحسین مهدویان و فاصله‌گیری از فیلم‌سازی دربار تاریخ معاصر

محمدحسین مهدویان یا فیلم‌های مستند-داستانی خود که در بستر تاریخ معاصر می‌گذرد، توانست جای پای خود را در سینمای ایران محکم کند، اما او نشان داد که نمی‌خواهد با راه رفتن در مسیر پاکوب‌شده، ذوق تجربه و افت و خیز را از خود بگیرد؛ هر چند اگر بهای این آزمون و خطا کردن موضع‌گیری‌هایی باشد که در مورد فیلم «لاتاری» اتفاق افتاد و این‌که از جشنواره فجر غیر از جایزه جلوبه‌های ویژه بصری، سیمرغ دیگری نصیب نبرد.

مهدویان با «ماجرای نیمروز: رد خون» و «درخت گردو» دوباره به نوعی به فضای دو فیلم نخست خود بازگشت و از «لاتاری» دور شد، اما فیلم بعدی او باز خود داستان دیگری است. او در «شیشلیک» با ترکیب بازیگرانش و شکل و شمایی که از کار دیده می‌شود، پیش از دیده شدن فیلم موفق به غافل‌گیری شده و باید دید این نگاه پس از به نمایش درآمدن فیلم چقدر ادامه خواهد داشت. این کارگردان جوان سینمای ایران عاقبت‌طلبی را رها کرده و سرعت تجربه رفته است و حالا باید دید او که در دوره‌های قبلی دو بار سیمرغ بلورین را به خانه برده، باز هم موفق به این کار خواهد شد؟

چرخشی که تحسین شد

ابراهیم حاتمی‌کیا در دهه ۶۰ و نیمه نخست دهه ۷۰ کارگردانی بود که با شخصیت‌هایش که اغلب در جبهه و میدان جنگ حضور داشتند، از آرزوهای انقلابی و تلاش برای حفظ خاک و ارزش‌ها می‌گفت. اما در نیمه دوم دهه ۷۰ این کارگردان با فیلمی به جشنواره آمد که نوایی متفاوت از ساخته‌های قبلی‌اش داشت. «آژانس شیشه‌ای» در فضایی به جشنواره شانزدهم رسید که دولت به‌تازگی تغییر کرده بود و نوعی نگاه جسورانه در میان هیئت داوران موج می‌زد و همین شد که جایزه کارگردانی هم برای ساخت این فیلم به

سبقت در پیچ تند

برخی از کارگردانان سرشناس سینمای ایران در حالی که کارنامه موفق و جایگاه تثبیت شده‌ای در سینما داشتند، دست به ریسک زده و با چرخشی جدی در مسیر فیلمسازی خود آثاری متفاوت از ساخته‌های قبلی خود خلق کردند. در برخی از این موارد چنین تغییراتی مورد استقبال داوران جشنواره فجر نیز واقع شده است.

احمد رضادرویش

۱۳۹۲

رستاخیز

از سینمای دفاع مقدس
به فیلم تاریخی - مذهبی



بهرام توکلی

۱۳۹۶

تنگه ابوقریب

از سینمای ملودرام
به سینمای دفاع مقدس



پرویز شیخ طادی

۱۳۹۰

روزهای زندگی

از سینمای کودک و ایدئولوژیک
به سینمای دفاع مقدس



30A



ابراهیم حاتمی کیا

۱۳۷۶

آژانس شیشه‌ای

۱۳۸۸

به رنگ ارغوان

از فیلم دفاع مقدسی

به فیلم‌هایی با موضوع اجتماعی و

شخصیت‌های دفاع مقدس / شخصیت‌های امنیتی



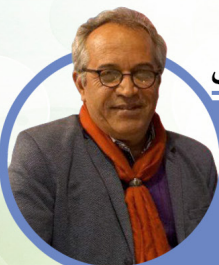
مجید مجیدی

۱۳۸۳

آواز گنجشک‌ها

از فضای سینمای کودک

به فیلم ملودرام با فضای معنوی



محمدحسین لطیفی

۱۳۸۵

روز سوم

از سینمای اجتماعی، کمدی، وحشت

به فیلم دفاع مقدسی





سیدرضا مانعی

تجربه‌گرایی و تحول ژانری

بدون شک از مولفه‌هایی که به جشنواره‌های فیلم جذابیت می‌بخشد، یکی تنوع ژانری آثار به نمایش درآمده در آن است و دیگری تغییر ژانری یک فیلم‌ساز. از جذابیت‌های فیلم دیدن در جشنواره، به‌ویژه در ارتباط با آثار فیلم‌سازان نام‌آشنا این است که مخاطب به واسطه تماشای آثار پیشین آن‌ها با نگاهی تطبیقی به آثار جدیدشان می‌نگرد. آن‌چه این پی‌گیری مستمر را جذاب‌تر می‌کند، تغییر ژانری و تجربه‌گرایی سینمایی در برخی از آن‌هاست که تلاش می‌کنند توانمندی یا شانس حرفه‌ای خود را در ژانر دیگری بیازمایند. گاهی این چرخش ژانری و تجربه‌گرایی به شکست منجر شده و موجب می‌شود فیلم‌ساز به مسیر و شکل فیلم‌سازی پیشین خود برگردد و گاه به تجربه‌های موفق انجامیده که مسیر فیلم‌سازی کارگردان را تغییر می‌دهد. به‌رحال از این سو و از منظر مخاطب این تجربه‌های ژانری متنوع، انگیزه و لذت تماشای فیلم را بالا می‌برد و می‌تواند به پویایی و رونق جشنواره کمک کند. به‌عنوان مثال، یکی از فیلم‌های جشنواره سی‌ونهم که مخاطبان مشتاق تماشای آن هستند، فیلم «شیشلیک» به کارگردانی محمدحسین مهدویان است که در یک چرخش یا تجربه‌گرایی ژانری، تلاش کرده بخت خود را در تولید یک ابزورد و کم‌دی سیاه بیازماید. قطعاً اگر مهدویان در همان سبک و سیاق سینمای خودش هم فیلم می‌ساخت، تماشاگر به واسطه کارنامه‌اش مشتاق تماشای فیلم بود. اما اکنون با تغییر ژانری این اشتیاق به یک کنجکاوی مضاعف بدل شده که بر رونق جشنواره هم می‌افزاید. گرچه مهدویان در «لاتاری» هم نوعی تغییر ژانری را تجربه کرده بود، اما این بار به سراغ ژانر ویژه‌تری رفته و نگاه ویژه خود را هم به آن گره زده و با حضور عوامل جدید، از فیلمنامه‌نویس تا بازیگران، بیش از «لاتاری»، فیلم را در کانون توجه قرار داده است.

فیلم «البلق» نرگس آبیاری هم می‌توان نمونه دیگری از فیلم‌های جشنواره امسال دانست که در فضای متفاوت از آثار قبلی او و در بستر یک قصه اجتماعی با رویکردی آسیب‌شناسانه تولید شده و از همین آکنو مخاطبان را به تماشای خود مشتاق و کنجکاو کرده است. جالب این‌که هم مهدویان و هم آبیاری از جمله فیلم‌سازانی بودند که در ژانر دفاع مقدس نیز با روایت خلاقه خود ساب‌ژانرهای متفاوتی را در یک ژانر مشخص به تصویر کشیدند و به همین دلیل هم مورد توجه قرار گرفتند. اگر بخواهیم از منظر ژانری به جشنواره سی‌ونهم نگاه کنیم، با توجه به این‌که نزدیک به نیمی از فیلم‌های بخش سودای سیم‌رخ فیلم اولی هستند، احتمالاً باید شاهد تحول و تنوع ژانری بالایی باشیم. تجربه جشنواره‌های یک دهه اخیر نشان داده که بخشی از جذابیت فیلم فیلم‌سازان اول در خلاقیت فرمی و ژانری آن‌هاست. در واقع از منظر ژانری، جشنواره سی‌ونهم دو ویژگی دارد: یکی تنوع ژانری و دیگری تغییر ژانری برخی از فیلم‌سازان. این دو مولفه می‌تواند نویدبخش تولید فیلم‌های متفاوتی باشد که در جشنواره امسال خواهیم دید.

ناگفته‌های مهدی مسعودی نژاد، جلیو دوره دوره حسابی جشنواره فیلم فجر از بهترین اتفاق سینمای ایران

بگردیم تا سینما را زنده نگه داریم

جشنواره در آینه قرن





ناگفته‌های مهدی مسعودشاهی، دبیر دو دوره حساس جشنواره فیلم فجر از مهم‌ترین اتفاقات سینمای ایران

جنگیدیم تا سینما را زنده نگه داریم

♦ نژاد پیکانیان

۳۸ سال از برگزاری اولین دوره جشنواره‌ای که حالا اسمش فجر شده ولی با نام میلاد آغاز به کار کرد، می‌گذرد. در همه این سال‌ها مدیران مختلف سینمایی عهده‌دار دبیری این رویداد مهم و تاثیرگذار بودند و هر کدام خاطرات شنیدنی و خواندنی زیادی از دوره‌ای که جشنواره را برگزار کردند، دارند. ناگفته‌های زیادی هم درباره خیلی از مسائل وجود دارد که شاید حالا، زمانی که قرار است آخرین جشنواره قرن برگزار شود، فرصت بازگو کردنشان فراهم شود.

مهدی مسعودشاهی، مدیر سینمایی که آغاز فعالیتش در حوزه سینما به سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی برمی‌گردد، در اولین شماره از نشریه سی و نهمین جشنواره فیلم فجر از تجربیات دوران دبیری‌اش در سال‌های ۸۸ و ۸۹ گفته است. او می‌گوید در همه این سال‌ها هر جا احساس کرده به حضور و پای کار بودنش نیاز است و می‌تواند به سینما کمک کند، پای کار آمده و فارغ از هرگونه موضع‌گیری کاری را که از دستش برآمده، انجام داده است. تاثیر فعالیت‌های مسعودشاهی، این مدیر با سابقه سینمایی، از نکات خواندنی این مصاحبه است که علاوه بر تجربیات دوران دبیری‌اش، درباره شرایط حاکم بر سینما در سال‌های ابتدایی انقلاب نیز نکات جذابی را مطرح می‌کند.

◇ حساب می‌آید، دوست داریم از زبان خودتان بشنویم پس از انقلاب از چه زمانی به شکل جدی حضورتان در عرصه سینما آغاز شد؟

من می‌خواهم صحبت‌م را با یک آیه شروع کنم تا به بحث اصلی و پاسخ سوال شما برسم، آیه‌ای از سوره والعصر که می‌گوید «خداوند ما را هشدار داده انسان‌ها همه در حال خسران‌اند، مگر این‌ها حق و صبر پیشه کنند.» بنده بر اساس همین آیه و با توکل به خدا از سال ۵۹ وارد فعالیت‌های فرهنگی و مدیریت سینمایی کشور شدیم. طبیعی بود که در سال ۵۹ شرایط اجتماعی

◇ جدای از حضور شما به عنوان دبیر جشنواره فجر که در سال‌های ۸۸ و ۸۹ شاهدش بودیم، می‌خواهم برایمان بگویید حضور جدی‌تان در جشنواره فیلم فجر به عنوان مشاور یا عضو شورای سیاست‌گذاری به چه سالی برمی‌گردد؟ تا جایی که در جریان هستم، شما از بنیان‌گذاران جشنواره فجر که نامش در ابتدا میلاد بود، به

◇ جنگیدید و ادامه دادید...

دقیقا، آن هم چه جنگی! ما هر روز بدون استثنا از طرف دفتر بازرسی ریاست جمهوری مواخذه می‌شدیم. آن‌جا مراجعات زیادی علیه ما داشتند که برایمان داستان می‌شد. بحث آن موقع این بود که اساسا سینما باید وجود داشته باشد یا نه. طبیعی بود که این بحث‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و روش‌های اتخاذ تصمیم ما و مشاورانی که ما انتخاب کرده بودیم، تاثیر داشت.

◇ موضع‌گیری‌ها و فشارها اساسا بیشتر از سمت چه جریانی بود؟ چه گروهی دقیقا با جریان سینما مخالفت ورزی داشتند؟

جریانات زیادی وجود داشت، اما تنها برگ برنده ما در سال ۵۹ که باعث شد من نیز بپذیرم در خدمت سینما باشم و در این راه قدم بردارم، جمله‌ای بود که حضرت امام خمینی (ره) در بدو ورودشان درباره سینما گفتند. ایشان فرموده بودند که ما با سینما مخالف نیستیم، با فحشا مخالفیم. این یعنی که ما باید سینما داشته باشیم، ولی فارغ از فحشا، فساد و مسائلی که شاید بخشی از آن را تا پیش از انقلاب شاهد بودیم، من خودم را با استناد به این جمله حضرت امام برای فعالیت در این مسیر آماده کرده بودم و از افراد مختلف به عنوان مشاور و مجری دعوت کردم و حتی با دست‌اندرکاران سینمایی قبل از انقلاب هم جلساتی داشتیم و تصمیم گرفتیم سینمایی داشته باشیم که علاوه بر این‌که در شأن کشور باشد، در آن نوآوری و خلاقیت هم به‌وضوح دیده شود و دیگر از آن مسائلی که پیش از این شاهدش بودیم، خبری نباشد.

◇ هنرمندان در حوزه‌های مختلف باشما همکاری می‌کردند؟

بله، من با تمام دوستان اهل سینما در صنوف مختلف بحث‌های زیرساختی کردم. این‌که حالا باید برای رشد و تثبیت سینما چه کنیم. در همان دوران من متوجه شدم تعدادی فیلم پروانه نمایش دارند، حدود ۷۹۰ فیلم پروانه گرفته بودند که خیلی‌هایشان فاقد استاندارد لازم بودند و البته قابلیت نمایش در جمهوری اسلامی را نداشتند. تعدادی از این فیلم‌ها پیش از انقلاب ساخته شده بودند و تعداد زیادی هم فیلم‌های خارجی بودند.

اختتامیه بیست و نهمین جشنواره فیلم فجر



و سیاسی کشور فرازونشیب‌های عجیب و غریبی داشت و من نیز سعی کردم به دلیل این‌که به این تخصص، یعنی سینما، اشراف پیدا کنم، تجربیات گذشته را حتما مرور کنم. از همین رو بعد از این‌که با دوستان سینمای قبل از انقلاب تعداد جلسات بی‌شماری را گذاشتیم و از آن‌ها به عنوان صاحبان صنعت سینما دعوت کردیم تا کاری را به نفع سینمای کشور انجام دهیم، با مراجع شرعی نیز جلساتی را برگزار کردیم. در واقع به دلیل این‌که در آن سال‌ها درباره سینما برخی شباهت شرعی و عرفی وجود داشت، لازم بود تا من نیز این مسائل را بدانم. به همین دلیل در محضر برخی از اساتید حاضر شدم تا اجازه برای فعالیت در این هنر صنعت را کسب کنم.

◇ از کدام اساتید و مراجع کسب تکلیف کردید؟

حاج آقا مرتضی تهرانی، برادر بزرگ حاج آقا مجتبی تهرانی، آن زمان بنده به همراه سه نفر از دوستان دیگر به دفعات جلساتی را خدمت ایشان داشتیم و ایشان هم موضع شرع را اعلام کردند و هم موضع عرف را. صحبت‌های ایشان برای بنده بسیار مهم بود، چراکه می‌خواستیم تابع این نظرات فعالیت‌هایم را انجام دهم. بر اساس همین نظرات ما به حوزه فعالیت مان ورود پیدا کردیم، اما شرایط سیاسی حاکم بر جامعه مسائلی را بر ما تحمیل می‌کرد که پیش‌بینی‌اش برایمان سخت بود.

◇ یعنی مسائل سیاسی به طور مستقیم روی

سینما تاثیرش را می‌گذاشت و در فعالیت‌های شما خلل ایجاد می‌کرد؟

بله، برخی همان موقع به دنبال این بودند که سینما اساسا باید تعطیل شود، آن عده که تعدادشان کم هم نبود، در فضای حاکمیتی حرکت می‌کردند، در واقع به نوعی حاکم شرع بودند. از طرف دیگر، جنگ سیاسی و دعوی بر سر آقای بنی‌صدر هم بود. همه این موارد به صورت جدی در جهت متوقف کردن ما پیش می‌رفت و متاسفانه بحث‌ها هم فقط بحث‌های شفاهی نبود و عملا برای ما پاپوش درست می‌کردند.

◇ ولی با همه این اوصاف شما با شرایط

خارجی پیش بینی کرده بودم هم از سوی عده دیگری مورد مخالفت قرار گرفت و این انتقاد به من وارد شد که من به فکر حقوق خارجی‌ها هستم. از سوی دیگر، یک سری بچه‌های حزب‌اللهی دوآتشه علیه جریان سینمای قبل از انقلاب اقداماتی می‌کردند و می‌خواستند فضا را به نوعی تحت تاثیر قرار دهند. می‌گفتند فعالان سینمایی طاغوتی هستند و فلان و بهمان! اما بعد از این که آقای رجایی در جریان جزئیات فیلم‌ها و فضای سینما قرار گرفتند و من شرایط و فشاری را که برای تعطیلی سینما بر روی ما بود، برای ایشان توضیح دادم، مخالفتی نکردند. خاطرم هست وقتی برای شهید باهنر و شهید آیت، این موارد را توضیح می‌دادم، خدا آقای باهنر را رحمت کند، با دست به زیر گلوبیشان اشاره کردند و گفتند گردن من را بزنند، نمی‌گذارم سینما را تعطیل کنند، تو برو و کار خودت را بکن. شنیدن این جملات برای من خیلی مهم بود.

◇ در واقع این صحبت‌ها به نوعی پشتوانه شما برای ادامه کار بود. درست است؟

صد درصد. من دیگر مطمئن شده بودم که نگاه من برای احیا و ادامه سینما نگاه شخصی نیست. حالا من علاوه بر موضع و ذهنیت خودم، نگاه و حمایت حکومتی را هم داشتم.

◇ بعد از گذر از این دوره و موافقت مراجع و مسئولان شرایط برای فعالیت در سینما بهتر شد، یا کماکان فشارها بود؟

نه، نگاه‌ها به سینما هنوز مثبت نشده بود و تلاش‌های ما ادامه داشت. آن موقع هنوز وزارت ارشاد کنونی نامش تغییر نکرده بود و فعالیت‌ها در «وزارت فرهنگ و آموزش عالی» دنبال می‌شد. این وزارت خانه ترکیبی بود از وزارت علوم و وزارت فرهنگ و هنر قدیم. این ادغام، ادغام درست و مناسبی نبود، چون از یک طرف در وزارت علوم یک فضای کاملاً علمی حاکم بود و این طرف هم بحث هنر بود که به دلیل این که هیچ کس از آن دفاع نمی‌کرد، کاملاً پتیم و دورافتاده مانده بود. به همین دلیل من تصمیم گرفتم شرایط سینما و هنر را با حضور در جلسات کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی تشریح کنم تا اوضاع به نفع سینما و سینماگران تغییر کند. من مرتب به مجلس می‌رفتم و توضیح می‌دادم که ما باید سینما داشته باشیم و همیشه از تاثیر سینما در کشورهای مختلف دنیا می‌گفتم؛ این که این صنعت چه تاثیری بر فرهنگ و سبک زندگی مردم می‌گذارد، این که حتی سینما روی سیاست می‌تواند چه تاثیری داشته باشد.

رفت و آمدهای من به مجلس ادامه داشت تا این که قرار شد من فیلمی را در مجلس برای نماینده‌ها به نمایش بگذارم تا آن‌ها نیز متوجه شوند فیلم‌هایی که ما در پی نمایش آن در سینما هستیم، با چیزی که آن‌ها تصور می‌کردند، فرق دارد و در واقع از فیلتری عبور کردند که مشکلی برای اکران برای عموم ندارند. همان موقع ما دو فیلم را از سینمای ایران برای حضور در جشنواره فیلم "تاشکند" فرستاده بودیم، ولی آن‌ها اعلام کرده بودند که متأسفانه ما نمی‌توانیم این فیلم‌ها را نشان دهیم. همین برای من بهانه‌ای شد تا یکی از این فیلم‌ها را به مجلس ببرم و برای نماینده‌ها به نمایش بگذارم و بگویم در دنیا چه اقداماتی علیه کشور و سینمای ما در حال انجام است.

برای مقابله با سینما جریان‌های زیادی وجود داشت، اما تنها برگ برنده ما در سال ۵۹ که باعث شد من نیز بپذیرم در خدمت سینما باشم و در این راه قدم بردارم، جمله‌ای بود که حضرت امام خمینی (ره) در بدو ورودشان درباره سینما گفتند

اتفاقاً نمایش تعدادی از همین فیلم‌ها باعث شده بود دوستان حاکم شرع موضع بگیرند و به بحث سینما ورود کنند تا جلوی نمایش آن‌ها به دلیل وجود برخی مسائل در آثار گرفته شود. این فیلم‌ها باعث شده بود واژه‌های خوبی اساساً درباره سینما به کار برده نشود و خیلی‌ها خواستار تعطیلی کل سینما بودند. ما در بحث‌هایمان درباره این موضوع صحبت کردیم که اگر قرار باشد کاری کنیم که این سینما باقی بماند، باید یک جراحی انجام دهیم. یاد می‌آید آن موقع جمله‌ای را از قول شهید رجایی به من منتقل کردند. آن زمان آقای صابری فومنی مشاور آقای رجایی بودند و در شورا‌هایی که من اداره می‌کردم، ایشان از سمت آقای رجایی به من پیغام دادند که آقای رجایی گفتند من خجالت می‌کشم فلان فیلم روی پرده سینمای میدان شهداست. این جمله بیشتر به من فشار آورد و مسئولیت من را بیشتر کرد که باید پالایشی در میان فیلم‌ها انجام دهیم و به همین دلیل با توافقی که با عزیزان صاحبان فیلم و سینماگران داشتیم، یادداشتی نوشتم که پروانه آن ۷۹۰ فیلم باطل شود و برای صدور مجوز جدید اقدام کنند.

◇ این اتفاق افتاد؟

بله، خوش بختانه خود صاحبان فیلم و دست‌اندرکاران سینما همکاری کردند و خیال من از بابت دوستان سینمایی راحت شد. واقعیت این است که آن موقع و در شرایطی بودیم که هیچ چیز سر جای خودش نبود. حتی شرایطی که من برای کپی رایت اکران فیلم‌های



مراسم افتتاحیه بیست و نهمین جشنواره فیلم فجر

کنند، خودتان راه کاری داشتید؟

آن زمان که من برای سینما سیاست گذاری‌هایی را تبیین کردم، سه اصل را مدنظر قرار دادم و گفتم اگر ما بخواهیم در جمهوری اسلامی حرکتی را انجام دهیم، باید بر اساس این سه اصل باشد؛ هدایت، حمایت و نظارت. یعنی این که اگر قرار باشد ما حرکتی بر مبنای هدایت جامعه داشته باشیم، باید نهادی درست کنیم و این تصمیم گیری منجر به تاسیس فارابی شد. من همان موقع قبل از تاسیس فارابی جدید مدیریت چنین نهادی را بر عهده داشتم؛ باشگاهی که قبل از انقلاب فعالیت می‌کرد و تنها سرمایه‌اش هم سینما فرهنگ بود. آن موقع سینما فرهنگ بدهی سنگینی به بانک داشت و ما با تلاش بدهی‌هایش را پرداخت کردیم و تصمیم گرفتیم این نهاد تحت عنوان فارابی مسئولیت هدایت سینمای کشور را بر عهده بگیرد که هم ساختارش غیر دولتی باشد و هم نگاهی نزدیک‌تر به بخش خصوصی داشته باشد.

در بحث هدایت هم تصمیم گرفتیم یک سازمان به نام سازمان جشنواره راه بیندازیم. در بخش نظارت هم گفتیم اگر مراحل قبلی درست انجام شود، نظارت بر آن‌ها نیز خیلی سخت نخواهد بود. اما بعد در بخش هدایت، سازمان جشنواره شکل نگرفت و همه چیز مختص به خود فارابی شد.

همان زمان من شروع به نوشتن آیین‌نامه‌هایی کردم که علاوه بر شرایط جدید برای پروانه ساخت و نمایش، باعث ایجاد نظمی بین سینماگران شده و علاوه بر آن، جلوی اعمال نفوذ عده‌ای هم گرفته شد. همین مسئله باعث شد دست‌اندرکاران سینما بیشتر دل به کار دهند و با هم‌دلی بیشتر و موضع مشترک به فعالیت‌هایشان ادامه دهند، چراکه متوجه شدند محتویات آیین‌نامه‌ها به نفعشان است. پادم است آن موقع برای رونق اکران فیلم‌های خارجی هم یک راه‌کار پیشنهاد دادم و آن هم این بود که هر کسی که برای تولید یک فیلم داخلی پیش قدم شود و سرمایه‌گذاری انجام دهد، به عنوان جایزه اجازه وارد کردن دو یا سه فیلم خارجی به او داده می‌شود. این اقدام حرکت خوبی در جهت تشویق تولیدکننده‌های داخلی بود و ما را به این نقطه رساند که هم در داخل کشور تولید داشته باشیم و هم آثار مناسب سینمای جهان را برای مردم نمایش دهیم. این شرایط جلورفت و من به این نتیجه رسیدم برای این که بتوانیم برای سینما اعلام موجودیت جدی کنیم، نیاز به

یکی از فیلم‌هایی که ما برای جشنواره تاشکند فرستاده بودیم، مستندی درباره دفاع مقدس بود. من از فرصت استفاده کردم و به نمایندگان مجلس گفتم این فیلم را ببینید تا متوجه شوید موضع جهان در مقابل سینمای ایران چیست. قرار شد من این فیلم را به صورت ۱۶ میلی‌متری آماده کنم و برای نمایش به مجلس برم. روزی که فیلم را به مجلس بردم و نماینده‌ها برای تماشا آمدند، هنوز فیلم آغاز نشده بوده و سه، دو، یک ابتدایی پیش از نمایش فیلم روی پرده آمد، که یکی از نماینده‌ها بلند شد و اعلام کرد که سینما حرام است و نمایش فیلم در مجلس جایز نیست. آن روز همه رشته‌هایمان پنبه شد.

◇ یعنی تا این حد فضای بسته‌ای بر جامعه حاکم بود؟

کاملاً همین‌طور بود. آن هم به این دلیل که سینما را نمی‌شناختند و تصورشان همان فیلم‌های پیش از انقلاب بود. آن روز جلسه مجلس به طور کامل به هم ریخت و حتی تعدادی از نماینده‌ها با هم درگیری لفظی پیدا کردند. مدافعین ما که بیشتر در جریان بحث‌ها بودند، بعد از حدود ۴۵ دقیقه صحبت و گفت‌وگو بالاخره توانستند گروه مخالف را راضی کنند تا اجازه نمایش فیلم را بدهند. من هم تایید را از آن‌ها گرفتم که بالاخره سینما حلال است یا حرام. خدا را شکر این فضا به گونه‌ای پیش رفت که همه نمایندگان یک‌صدا با هم فریاد می‌زدند حلال است و فیلم را نمایش بده. آن روز قرار شد من هفته‌ای یک فیلم را برای نمایندگان به نمایش دربرآورم. یک آپارات ۳۵ را در صحن مجلس مستقر کردم تا هفته‌ای یک فیلم برای نماینده‌ها نمایش دهم. آن موقع بود که نمایندگان متوجه شدند سینما می‌تواند چه نقش و تأثیری داشته باشد.

البته ناگفته نماند که در کنار تمامی مخالفت‌ها و موضع‌گیری‌ها دوستان زیادی هم بودند که بسیار از کار ما حمایت می‌کردند. خود حضرت آقا همان موقع راهنمایی‌های اساسی نسبت به ما داشتند.

◇ آقای مسعودشاهی، برای این که سینماگران در آن دوران بتوانند در فضایی کم‌تنش تر فعالیت

یک جشنواره داریم.



◇ یعنی دقیقا چه سالی؟

این مسئله به حدود اول دهه ۶۰ برمی‌گردد و تصمیم گرفتم جشنواره‌ای با نام میلاد به معنای متولد شدن راه‌اندازی کنم که بتوانیم در آن تولیدات سینمای ایران را نمایش دهیم. پلن اولیه طراحی شد، اما از همان ابتدا مخالفان گفتند مگر سینمایی وجود دارد که بخواهد برایش جشنواره هم برگزار شود! اما با پی‌گیری‌ها و تلاش‌هایی که داشتیم، کار را آغاز کردیم.

◇ استارت شکل‌گیری جشنواره میلاد هم همان سال ۶۰ زده شد و قرار برگزاری هم در همان بهمن‌ماه بود؟

بله، جشنواره هم در سالگرد انقلاب برگزار می‌شد. سال ۶۱ وزارت‌خانه تصمیم گرفت تمامی جشنواره‌هایی که در دهه فجر در بهمن‌ماه برگزار می‌شود، با اسم فجر برپا شود؛ جشنواره تئاتر، موسیقی و فیلم، به همین دلیل اسم میلاد هم به جشنواره فیلم فجر تغییر پیدا کرد و اولین دوره آن در بهمن‌ماه سال ۱۳۶۱ برگزار شد. البته همان‌طور که می‌دانید، اولین دوره به شکل غیررئاستی برپا شد.

◇ اجازه دهید به بحث قبلی مان درباره ساختار جشنواره برگردیم، تفکیک جشنواره از فارابی و استقلال آن از نهادهای مدیریتی سینما چطور اتفاق افتاد؟

بر اساس سه اصلی که خدمتتان گفتم، یعنی هدایت، حمایت و نظارت، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های سینمایی در انحصار بنیاد سینمایی فارابی بود و تقریباً همه فعالیت‌ها از آن طریق اعمال می‌شد. سال ۸۸ که معاونت سینمایی آقای شمقدری پیشنهاد دبیری جشنواره را به من دادند، من اصل سوم را که به سازمان جشنواره‌ها مربوط می‌شد، پیشنهاد دادم و منطق قضیه را برای ایشان روشن کردم که اساسا چرا باید برای هر کدام از بخش‌ها یک نهاد مستقل داشته باشیم. در واقع توضیح دادم نباید این‌طور باشد که خودشان هم تولید کنند، هم به خودشان جایزه دهند، یا همه چیز منحصر به فارابی باشد. بنابراین رکن هدایتی این

قضیه که همان سازمان جشنواره‌ها بود، تاسیس و راه‌اندازی شد و قرار بر این شد تا همه جشنواره‌هایی که زیر نظر سازمان سینمایی برگزار می‌شوند، به لحاظ سیاست‌گذاری در یک راستا و یک مدیریت مشخص برایشان برنامه‌ریزی شود. این سازمان که تاسیس شد، دبیر جشنواره هم شخصی به غیر از مدیرعامل فارابی انتخاب شد.

◇ حال و هوای برگزاری جشنواره در سال‌های ابتدایی و استقبال از آن چطور بود؟

آن موقع ظرفیت برای برگزاری جشنواره سینمایی به شکل و شمایل مرسوم وجود نداشت. اما ما برای جشنواره پوستری طراحی کرده بودیم و در آن سال هم من سفری به کن داشتیم برای این‌که در جشنواره فیلم کن حضور پیدا کنم و با راه و رسم و شکل و شمایل برگزاری جشنواره خارجی مانند کن آشنا شوم. دوست داشتم بدانم غوغایی که در همه دنیا برای داشتن سینما به پاست، به چه شکل است و ما به چه طریقی می‌توانیم در کشور خودمان هم جشنواره‌ای درست و با استانداردهای جهانی برگزار کنیم. من در جشنواره چند پوستر جشنواره میلاد را توزیع کردم، بادم می‌آید همان موقع با ما مصاحبه کردند و درباره جشنواره سوال‌هایی پرسیدند. نکته جالب این‌جاست که خبرنگاری که با ما مصاحبه کرد، گفت ما فکر می‌کردیم شما در کشورتان می‌خواهید شترسواری کنید، اما جالب است که در کشورتان سینما دارید و می‌خواهید جشنواره برگزار کنید.

◇ یعنی نگاه کشورهای خارجی به کشور ما هم چنان مثبت نبود...

دقیقا، فکر می‌کردند ما نگاه متحجرانه‌ای به صنعت سینما داریم و با همین نگاه هم بحث‌های فرهنگی مان را پیش می‌بریم و نمی‌خواهیم اساسا سینمایی داشته باشیم، همان‌جا من اعلام کردم که امام خمینی (ره) در کشور ما می‌گویند سینما یکی از مظاهر تمدن است، اما این‌که چه تمدنی قرار است در آن بیان شود، بحث کشور خودمان است. نکته مهم برای ما طراحی تمدن مدرن اسلامی بود و قرار بود در سینما هم به همین مسائل بپردازیم و از تکنولوژی و دانش روز دنیا هم استفاده کنیم. من در سال‌های

بله، از سال ۶۲ که من کمی از فضای مدیریتی سینما فاصله گرفتم، جشنواره‌ها هم زیر نظر فارابی رفت و این بنیاد متولی برگزاری جشنواره شد و دبیر جشنواره هم از همان‌جا انتخاب شد.

◇ به عنوان یکی از بنیان‌گذاران جشنواره فیلم فجر، برایمان بگویید هدف از طراحی و برگزاری رویدادی که جشنواره سینمای ایران شد، چه بود؟ یعنی جشنواره فجر برگزار می‌شد که سینمای ایران به کجا برسد؟
در راستای طرحی که من طراحی کرده بودم و سه اصل هدایت، حمایت و نظارت را دارا بود، برگزاری جشنواره بر مبنای اصل هدایت برنامه‌ریزی شده بود تا در اثر ارزیابی که ما از آثار می‌کنیم، خط و مشی آینده را به عنوان هدف و استراتژی تعیین کنیم. در واقع وقتی به فیلمی با موضوعی خاص مثلا دفاع مقدس جایزه می‌دادیم، نشان‌دهنده راه و مسیر درست بود. یا اگر به فیلمی با مبنای اخلاقی توجه نشان داده می‌شد، یعنی هدایت صورت گرفته است. من همیشه معتقد بودم جشنواره فیلم فجر شب قدر سینمای ایران است. یادم می‌آید برخی از پیش‌کسوتان سینمای ایران را به دلیل این‌که با سینمای دفاع مقدس آشنا کنیم، در قالب تورهایی به جبهه‌ها می‌فرستادیم. جالب این‌که خیلی از آن‌ها نسبت به این موضوع تعلق خاطر پیدا می‌کردند و متقابلاً رزمنده‌ها نیز ارتباط بسیار خوبی با سینماگران می‌گرفتند. همین مسائل می‌توانست در تولید سال بعد سینمای ایران اثرگذار باشد.

◇ آن زمان ملاک انتخاب فیلم‌ها برای حضور در جشنواره چه بود؟ همان پروانه نمایش کفایت می‌کرد، یا متر و معیارهای دیگری هم برای انتخاب فیلم‌ها در جشنواره وجود داشت؟

آن موقع تعداد فیلم‌های تولیدشده در طول یک سال آن قدر نبود که ما بخواهیم از بین آن‌ها چند اثر را انتخاب کنیم. به این دلیل و چون خود دست‌اندرکاران سینما، در کنار مدیریت بخش‌های مختلف مجری این حرکت بودند، نظرشان این بود که همه فیلم‌ها نمایش داده شوند و برای انتخاب و حضور آن‌ها در جشنواره ارزیابی خاصی انجام نمی‌شد. به همین دلیل فیلم‌های مختلف با موضوعات متفاوتی از جمله جنگ و دفاع مقدس، خانوادگی، سیاسی در جشنواره داشتیم و خیلی از این فیلم‌ها در ژانر خودشان رقیبی نداشتند. دوره اول برگزاری خاطرم است که چهار فیلم حضور داشتند، اما ما همه رسم و رسوم رایج جشنواره را در برار همان آثار اجرا کردیم. اما بعد از مدت‌ها متأسفانه فرهنگ غلط جشنواره‌های غربی در جشنواره رایج شد.

◇ فکر می‌کنید جشنواره فجر تا چه اندازه در مسیری که از ابتدا برایش طراحی شده، حرکت کرده است و به مصادیقی که برایش تعریف شده بود، پای‌بند مانده است؟

جسارتا باید بگویم سینمای الان ما چیزی نیست که معیارهای سینمای اسلامی اعتقادی و فرهنگی را دارا باشد و متأسفانه آلودگی‌هایی از طریق اخلاقیات وارد آن شده است. من معتقدم سینما برای آینده اگر بخواهد مبتنی بر مباحث اعتقادی و اخلاقی حرکت کند، باید تغییرات اساسی در نگاه مدیریتی‌اش صورت بگیرد.

در سال ۱۳۸۸ قرار بر این شد تا همه جشنواره‌هایی که زیر نظر سازمان سینمایی برگزار می‌شوند، به لحاظ سیاست‌گذاری در یک راستا و یک مدیریت مشخص برایشان برنامه‌ریزی شود. این سازمان که تاسیس شد، دبیر جشنواره هم شخصی به غیر از مدیرعامل فارابی انتخاب شد

فعالیت‌ها در عرصه سینما همیشه این شعار را حفظ کردم که در سینما باید از ابزار به‌روز و خوب استفاده کنیم.

بعد از این سال‌ها و در دهه ۷۰ که برگزاری جشنواره فجر ادامه پیدا کرد و اوضاع سینما هم به ثبات نسبی رسید، دوستان سینماگر برای راهنمایی یا مشاوره و استفاده از تجربیاتتان به سراغ شما می‌آمدند؟

بله، جشنواره نمادی از فعالیت‌های سینما بود و من هم تا سال ۶۲ مسئولیت سینمای حرفه‌ای را داشتم. در نتیجه در تمام تصمیم‌گیری‌های کلان حضور داشتم. در همان سال ۶۱ در جشنواره هم مدیریت پشت صحنه را برعهده گرفته بودم، چراکه می‌خواستم تمام امور را به خود دست‌اندرکاران سینما بسپارم. اعتقاد من اعتبار دادن به بخش خصوصی بود و دوست داشتم آن‌ها خودشان بیابند و در میدان باشند، مسئولیت قبول کنند و برنامه‌هایشان را به اجرا برسانند. توانایی همه بچه‌های آن دوره بی‌نظیر بود. من هم در همه این سال‌ها حتی اگر به شکل رسمی سمتی در سینما نداشتم، تلاش می‌کردم برای سینما قدم بردارم. به همین دلیل طرحی را در زمینه تشکیل صنوف که بعدها طرح تاسیس خانه سینما شد، مطرح کردم، چراکه معتقد بودم صنوفی که در سینما می‌خواهند فعالیت کنند، باید جایگاه رسمی داشته باشند و این جایگاه نمی‌تواند چیزی جز خانه سینما باشد.

◇ اما جشنواره‌ها از یک زمانی به بعد زیر نظر فارابی برگزار شد. این اتفاق را در آن دوره مثبت ارزیابی می‌کردید؟



اعطای لوح از سوی جواد شمقدری به مهدی مسعودشاهی

شما خودتان قوی شوید و در کنار این دوستان به فعالیت ادامه دهید و رشد کنید. آن موقع دوستان این را نپذیرفتند و در این مورد توانستیم با هم به توافق برسیم و اتفاقی که افتاد، این بود که دوستان بحث را رسانه‌ای کردند و در کنار آن اتفاق عجیب و غریبی افتاد که برای اولین بار است آن را مطرح می‌کنم. دوستان یک فیلم بتاکم از تمام فیلم‌های قبل از انقلاب دوستانی که در همان سال ۶۱ فیلم ساخته بودند و فیلم‌هایشان برای صدور مجوز به ما داده شده بود، تهیه کردند (البته فیلم‌های بسیار سخیف و ضد اخلاقی) و به ریاست جمهوری وقت (آیت‌الله خامنه‌ای) دادند اما جالب این‌جا بود که این جریان عجیب و غریب ختم به خیر شد.

◇ موضع ایشان درباره فیلم‌سازان و این اتفاق چه بود؟

اتفاقاً می‌خواهم ماجرا را از نگاه آقای خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب اسلامی که آن زمان رئیس‌جمهور بودند و خوش‌بختانه اشراف کامل به مسائل تخصصی از جمله سینما دارند، بیان کنم. سال ۶۲ من به عنوان مدیرکل وزارت و نمایش به همراه وزیر ارشاد، نخست‌وزیر وقت آقای میرحسین موسوی و تعداد دیگری از مشاورین و نمایندگان مجلس و دادستان کل در جلسه‌ای خدمت ریاست جمهوری رسیدیم و راجع به فیلم دیگری صحبت می‌کردیم که من به آن پروانه نمایش نداده بودم. دلیل پروانه ندادن من هم این بود که دوستان فیلمی را بدون رعایت مقررات ساخته بودند، ولی اصرار داشتند و حتی تهدید می‌کردند که باید به فیلم ما پروانه بدهید. بحث درباره این فیلم بالا گرفت و در نهایت کار به ریاست جمهوری کشیده شد. ریاست جمهوری نیز ما را دعوت کردند. در آن جلسه من از دلایل خودم دفاع کردم، آیت‌الله خامنه‌ای هم از حرکتی که من انجام داده بودم، دفاع کردند و به دادستان اعلام کردند این حرف‌ها قانونی است و شما نیز باید از ایشان حمایت کنید. اما نکته بسیار تأثیرگذار که از گفتنش بغض می‌گیرد، برخورد آقای خامنه‌ای بود. ایشان در ادامه صحبت‌هایشان به من گفتند من آن فیلم (منظورشان فیلمی که آقای شمقدری تهیه کرده بودند) را هم دیدم، همه‌شان از نظر من می‌توانند بازی کنند. قصد من نظر بیان این

◇ اگر موافق باشید، برسیم به سال ۸۸ و دبیری شما در جشنواره آن سال که اتفاقاً با شرایط بسیار ویژه‌ای همراه بود و به نظر می‌رسد که چالش‌های زیادی هم برای شما داشت. از آن دوره برایمان بگویید و این‌که چطور شد دبیری را بر عهده گرفتید و پیشنهاد از سمت چه کسی مستقیماً به شما داده شد؟

آن موقع من به عنوان مشاور معاونت سینمایی وقت آقای جعفری جلوه فعالیت می‌کردم و در کنار ایشان حضور داشتم. بعد تغییراتی ایجاد شد و آقای شمقدری و دوستان دیگرشان به میدان آمدند. من در این باره نکاتی را باید بگویم تا روشن شود که رابطه من در حوزه‌های فرهنگی از همان سال ۶۲ با آقای شمقدری چطور بوده است. آن زمان ایشان و دوستانشان بسیار معارض با جو و فعالیت سینما بودند و با یک‌سری از دوستان در حوزه هنری فعالیت فیلم‌سازی می‌کردند. همان سال‌ها ما با این دوستان تشکیلاتی را به اسم مرکز آموزش فیلم‌سازی اسلامی راه انداخته بودیم و در آن دوران همه باهم بودیم، اما تکلیف شد و من از آن موقعیت آموزشی خارج شدم و به مرکز هنرهای نمایشی آمدم و بعداً هم آقای شمقدری و دوستان به حوزه هنری رفتند. در حوزه هنری تلاش می‌کردند فیلم بسازند، اما امکانات نداشتند. بقیه هم در حوزه‌های دیگر فعالیت‌های هنری می‌کردند و کارهایشان هم قابل توجه بود. من همان موقع به دوستان پیشنهاد کردم که بیایید و به همراه ما فیلم ببینید، ما در شورای صدور پروانه نمایش هفته‌ای چند روز فیلم می‌دیدیم و من به دوستان آقای شمقدری پیشنهاد دادم که شما هم یک روز را اختصاص دهید و به تماشای آثار بنشینید. دوستان تصمیم گرفتند و حدود ۱۰، ۱۵ نفر برای تماشای فیلم‌ها پیش ما می‌آمدند. بعد از مدتی اظهار کردند که این فیلم‌ها اصلاً قابل نمایش نیست و شما چطور به آن‌ها پروانه می‌دهید!

◇ در واقع چالش جدید دیگری برای شما به وجود آوردند؟

بله، چالشی سخت‌تر که در همان سال‌های ۶۱، ۶۲ برای ما شروع شد. بحث‌ها را با من مطرح کردند و من تلاش می‌کردم آن‌ها را متقاعد کنم که اصلاً صلاح نیست این همه تلاش و قابلیت را نادیده بگیریم. پیشنهادم به آن‌ها این بود که

نشست خبری فیلم رمانتیسیم عمادو طوبا



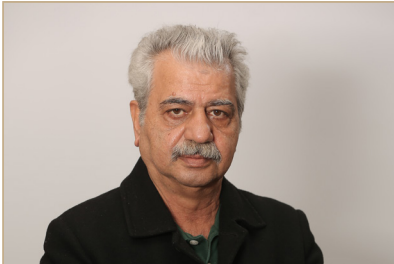
نشست خبری فیلم بی همه چیز



حاشیه‌های روز اول جشنواره



آنتیه فجر



قاب آخر

فخرنا

گفت و گو با امیر مهدی ژوله، فیلمنامه نویس «شیشلیک»

تماشای «شیشلیک»
پایک چشم خندان و
چشمی گریان

